

ارزیابی جایگاه ایران در شاخص بین‌المللی  
حقوق مالکیت در سال ۲۰۱۸  
(با تمرکز بر نهادها و هزینه مبادله)

معاونت پژوهش‌های اقتصادی  
دفتر: مطالعات اقتصادی

کد موضوعی: ۲۲۰  
شماره مسلسل: ۱۶۴۰۸  
اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸

## به نام خدا

### فهرست مطالب

چکیده.....	۱
مقدمه.....	۱
۱. حقوق مالکیت چیست و چرا اهمیت دارد؟.....	۳
۲. نهادهای خوب: ثروت پنهانی ملت‌ها.....	۶
۲-۱. نهادها دقیقاً چیستند؟.....	۷
۲-۲. نهادها حکم می‌کنند.....	۱۲
۲-۳. هزینه‌های مبادله همه جا هستند.....	۱۴
۲-۴. مشکلات شناخت و اجرای نهادهای خوب.....	۱۷
۲-۵. نقش اندیشه‌های هرئاندو دسوتو در اهمیت بخشی به نهاد حقوق مالکیت.....	۱۹
۳. ترازوی شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت.....	۲۲
۴. ایران در ترازوی شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت.....	۲۷
۵. وضعیت کنونی حقوق مالکیت در ایران و پیشنهادهایی برای بهبود آن.....	۴۱
منابع و مأخذ.....	۴۳



## ارزیابی جایگاه ایران در شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت سال ۲۰۱۸ (با تمرکز بر نهادها و هزینه مبادله)

### چکیده

چرا هزینه مبادله و نهایتاً هزینه تولید در ایران بالا بوده و قدرت رقابت‌پذیری کشور پایین است؟ چرا سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ثابت مانده یا حتی رو به کاهش گذاشته است؟ چرا نرخ تشکیل و ماندگاری و رشد بنگاه‌های ایرانی بسیار پایین است؟ قطعاً پاسخی واحد برای پرسش‌ها و مسائل پیش‌گفته وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد دلیل اصلی افتادن در «دام بزرگ رشد پایین» را باید به سطره نهادهای بد و معیوب مربوط دانست. برای رهایی از چنین دامی، نیازمند ساختن نهادهای خوب هستیم و در بین آنها نهاد احترام به حقوق مالکیت خصوصی نقش برجسته‌ای دارد.

گزارش حاضر با هدف برجسته ساختن نقش و اهمیت نهادها و هزینه مبادله و تمرکز بر نهاد حقوق مالکیت تهیه شده است. ایران در جدیدترین شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت سال ۲۰۱۸ در بین ۱۲۵ کشور جهان، رتبه ۹۱ و در بین ۱۷ کشور منطقه منا (به علاوه ترکیه و پاکستان)، رتبه ۱۳ را کسب کرده است و عقب‌تر از کشورهای در حال توسعه رقیب مانند ترکیه، عربستان سعودی، امارات، مالزی و اندونزی قرار گرفته است. این در حالی است که به موجب ماده (۲۲) قانون برنامه ششم توسعه دولت و حکومت ایران مکلف شده است در پایان سال چهارم اجرای قانون برنامه، رتبه ایران در شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت در میان کشورهای منطقه سند چشم‌انداز به رتبه سوم ارتقا یابد و هر سال ۲۰ درصد از این هدف محقق شود. با نگاه به رتبه ایران در روند چندساله، شاهد بهبود پیوسته، اما بسیار کندی هستیم؛ اما تا رسیدن به رتبه سوم در منطقه فاصله بسیار زیادی داریم. بهبود رتبه در شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت و توجه به اجزای اصلی آن، به ویژه اعمال حاکمیت قانون، در جهت ارتقای حقوق مالکیت به عنوان یکی از الزامات توسعه اقتصادی، ضروری است.

### مقدمه

حقوق مالکیت بر یک دارایی (یا منبع تولید)، به معنای اختیار انحصاری تعیین شیوه استفاده از آن دارایی است، خواه این دارایی در مالکیت دولت یا فرد باشد. حقوق مالکیت خصوصی، نقشی حیاتی در رشد و شکوفایی اقتصادی دارد، چون به عاملان اقتصادی انگیزه می‌دهد از منابع به کاراترین روش ممکن استفاده کنند و دغدغه حفاظت و صیانت از آنها را نیز داشته باشند. بدون حقوق مالکیت خصوصی، هیچ کس انگیزه‌ای برای سخت کار کردن یا اختراع جدید یا یافتن روش‌های بهتر انجام کارها نخواهد داشت.

«فاجعه دارایی اشتراکی»<sup>۱</sup> به معنای اتلاف و نابودی یک دارایی از سوی همه، هنگامی رخ می‌دهد که مالکیت یک دارایی روشن نباشد و به شکل اشتراکی اداره شود. وقتی مالکیت یک دارایی همگانی باشد، هیچ کس حاضر نمی‌شود برای حفاظت یا بهره‌برداری کارای آن تلاش کند؛ چون پاداش این زحمات به احتمال زیاد نصیب دیگران خواهد شد.<sup>۲</sup> فاجعه دارایی اشتراکی، استدلالی قوی به نفع حقوق مالکیت خصوصی است. تجربه شکست‌خورده کشورهای کمونیستی نشان داد لغو حقوق مالکیت خصوصی، به تخریب منابع موجود و فقر و محرومیت مردم منجمد.

آدام اسمیت در کتاب «ثروت ملل» استدلال می‌آورد که درآمد ملی هر کشور، به بهره‌وری نیروی کار آن وابسته است و بهره‌وری نیروی کار نیز به وسعت بازارها و دامنه تقسیم کار منوط است، اما چرا برخی کشورها توانسته‌اند تا حد امکان از تقسیم کار بهره ببرند و ثروتمند شوند، در حالی که سایر کشورها ناتوان بودند و در نتیجه فقیر باقی ماندند؟ پاسخ اسمیت در مضمون مهم، اما مورد غفلت واقع شده «امنیت حقوق مالکیت افراد» نهفته است که آنها را قادر می‌کند تا «ثمرات کار خویش را برای خویش نگهدارند» و تقسیم کار هرچه بیش‌تری امکانپذیر می‌شود. اسمیت در بخش هزینه‌های برقراری عدالت در کتاب ثروت ملل با صراحت و تأکید می‌نویسد «عدالت باید همچون ستونی حافظ و حامی جامعه دیده شود» و به ادعای وی آن کشورهایی که موفق به «اجرای نسبتاً خوب عدالت» شوند به نحوی که حقوق مالکیت تضمین شود و اجازه سرمایه‌گذاری و دادوستدهای سودآور داده شود، شاهد رشد و توسعه پیوسته اقتصادی خواهند بود.<sup>۳</sup> پژوهش‌های نظری و تجربی اخیر اندیشمندان توسعه اقتصادی و به ویژه نهادگرایان، مؤید ایده‌های آدام اسمیت در تقریباً ۲۵۰ سال پیش است که بر نقش اساسی «نهادها»ی پشتیبان حقوق مالکیت برای رسیدن به توسعه اقتصادی تأکید داشت و مهم‌ترین نهادها را «قوه قضائیه مستقل» و «اجرای عدالت» می‌دانست.

گزارش حاضر از پنج بخش تشکیل شده است: در بخش نخست اهمیت حقوق مالکیت به عنوان پیش‌شرط هر گونه فعالیت اقتصادی تشریح می‌شود و علت غایی رشد اقتصادی به نهادهای خوب نسبت داده می‌شود. بخش دوم و ویژه گزارش، به بررسی نقش و اهمیت نهادها و هزینه مبادله در عقب‌ماندگی و پیشرفت یا فقر و ثروت ملت‌ها اختصاص دارد. نهادهایی از قبیل احترام به حقوق مالکیت خصوصی با ایجاد انگیزه در مردم، آنها را تشویق به سخت‌تر و بهتر کار کردن می‌کنند که به رونق و شکوفایی اقتصادی کشور منجر خواهد شد. در واقع دو بخش نخست، به عنوان چارچوب و مبنای نظری شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت، مورد توجه است. بخش سوم به معرفی و تعریف «شاخص بین‌المللی حقوق

1. Tragedy of Commons

2. Hardin, Garrett, "The Tragedy of the Commons," Science 162, no. 3859 (December 1968): 1243-48.

3. Smith, Adam, (1776) An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations (Hampshire: Harriman House, 2007), Book V, Chapter I of The Expenses of the Sovereign or Commonwealth, Part II The Expense of Justice, pp. 462-70.



مالکیت»<sup>۱</sup> و نماگرها و مؤلفه‌های آن اختصاص دارد. در بخش چهارم، جدیدترین نتایج شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت درباره رتبه کشورهای جهان با تمرکز بر جایگاه ایران طی ده سال گذشته، ارائه و تحلیل می‌شود. در آخرین بخش گزارش، نکاتی در خصوص کیفیت تضمین حقوق مالکیت در ایران مطرح شده است.

### ۱. حقوق مالکیت چیست و چرا اهمیت دارد؟

برخی از اقتصاددانانی که درباره چگونگی طرز کار رژیم‌های متفاوت حقوق مالکیت مطالعه می‌کنند، ادعا می‌کنند که برخورداری از حق مالکیت، پیش شرط بنیادی برای شکوفایی استعداد‌های بشری نیز محسوب می‌شود. به نظر آنان، زندگی در سایه نظام حقوق مالکیت خصوصی که کاملاً روشن و به خوبی تعریف شده باشد، کمک می‌کند تا در دنیایی صلح‌آمیز کنار همدیگر زندگی کنیم، از منابع به نحو هوشمندانه استفاده کنیم و برای آینده ثمربخش بلندمدت‌تری برنامه‌ریزی کنیم.

آرمن آلچیان اقتصاددان که از پیش‌تازان تحلیل اقتصادی حقوق مالکیت است، حقوق مالکیت را این‌گونه تعریف می‌کند: «اختیار انحصاری در تعیین شیوه استفاده از یک منبع (ثروت، دارایی، سرمایه)، خواه آن منبع در مالکیت دولت یا افراد باشد».<sup>۲</sup> در اینجا تأکید نه بر خود منبع ثروت و...، بلکه روی چگونگی مواجهه ما با آن است؛ بحث بر سر یک قاعده رفتاری است که تعیین می‌کند هر کسی چه کارهایی می‌تواند با یک منبع معین انجام دهد. نظام حقوق مالکیتی که به خوبی تعریف شده و قواعد استفاده از منابع برای همه روشن و شفاف است، به افراد جامعه اجازه می‌دهد با صلح و آسایش زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند؛ به بیان آلچیان، چنین نظام حقوق مالکیتی «رقابت با ابزارهای مسالمت‌آمیز را جایگزین رقابت همراه با خشونت می‌کند». به ادعای وی، حقوق مالکیت خصوصی دو ویژگی اضافی را نیز ایجاب می‌کند: «حق انحصاری بر خدمات آن منبع و حق مبادله کردن آن با شرایط مورد توافق طرفین».<sup>۳</sup>

چون مالکان دارایی خصوصی هر تصمیمی که درباره دارایی خود بگیرند، هزینه‌های آن را خود متحمل می‌شوند و منافع را هم نصیب خود می‌کنند، در نتیجه انگیزه خواهند داشت از این دارایی به‌نحو عاقلانه استفاده کنند. بنابراین، نظام حقوق مالکیت خصوصی کاملاً تعریف شده، به افراد اجازه می‌دهد با به‌کارگیری کاراثر منابع به استانداردهای زندگی بالاتر برسند، اما اگر حق دسترسی به یک منبع خاص حالت انحصاری نداشته باشد همه کسانی که به آن منبع دسترسی دارند تمایل به مصرف بی‌رویه آن را پیدا خواهند کرد و دچار «فاجعه منابع اشتراکی یا مشاع» خواهیم شد. فاجعه منابع اشتراکی به وضوح

1. International Property Rights Index (IPRI)

2. Alchian, Armen A. (1965), "Some Economics of Property Rights." *Il Politico*, 30(4):PP. 816–829.  
Alchian, Armen A (2008). "Property Rights," in *The Concise Encyclopedia of Economics*, ed. David Henderson, Indianapolis: Liberty Fund.

3. **Ibid.**

در حوزه بودجه عمومی کشور قابل مشاهده است که چگونه نمایندگان مجلس قانونگذاری، بودجه عمومی (که حالت دارایی مشاع دارد) را صرف پروژه‌ها و طرح‌های نمایشی و ناکارای استانی و محلی، معروف به «فیل‌های سفید»<sup>۱</sup> می‌کنند.

وقتی حقوق مالکیت خصوصی نامطمئن و متزلزل باشد، تمایل مردم به سرمایه‌گذاری کم‌تر خواهد شد؛ چرا که می‌ترسند هرگز قادر به بهره‌مندی از مواهب و ثمرات سرمایه‌گذاری خود نباشند. این فضای ناامن ناشی از بی‌احترامی به حقوق مالکیت، باعث قحطی سرمایه و نزول جریان سرمایه‌گذاری در اقتصاد می‌شود که شاه‌رگ تولید برای هر کشوری به حساب می‌آید. در جایی که حقوق مالکیت خصوصی ناقص تعریف شود یا ناامن باشد برنامه‌ریزی برای آینده نیز ناممکن می‌شود. این لب‌کلام استدلال لودیگ فون میزس<sup>۲</sup> از بنیان اقتصاد اتریشی در «بحثی درباره محاسبه سوسیالیستی» بود. در حالی که بیش‌تر متفکران از سوسیالیسم به واسطه هدف غیرواقع‌بینانه آن که می‌خواست سرشت و طبیعت انسان را تغییر دهد انتقاد می‌کردند، فون میزس اثبات کرد سوسیالیسم حتی اگر موفق شود انسان‌ها را به موجودات کم‌تر نفع شخصی‌خواه تبدیل کند، در نهایت شکست خواهد خورد؛ چون برنامه‌ریزان اقتصادی از محاسبه عقلانی ارزش موارد استفاده جایگزین برای منابع ناتوان هستند. میزس استدلال کرد که بدون مالکیت خصوصی بر ابزارهای تولید، بازاری برای ابزار تولید وجود ندارد و بنابراین قیمت‌های پولی برای ابزار تولید نخواهیم داشت. برنامه‌ریزان اقتصادی بدون وجود قیمت‌های پولی که کمیابی نسبی ابزار تولید را منعکس کند، قادر به محاسبه عقلانی استفاده‌های جایگزین برای ابزار تولید نخواهند بود (در حالی که مهم‌ترین کارکرد اقتصاد بازار، اطلاعات مهمی است که از طریق قیمت‌ها انتقال می‌یابد).

رابطه نظری بین حقوق مالکیت خصوصی و شکوفایی اقتصادی کشورها به خوبی با داده‌ها پشتیبانی می‌شود. داگلاس نورث و بری واینگست، پیشرفت خارق‌العاده و ناگهانی سطح زندگی انگلستان در قرن هجدهم را به انقلاب باشکوه ۱۶۸۸ نسبت می‌دهند که حکومت را مجبور کرد تعهدات معتبری در حمایت

۱. "White Elephants"؛ پروژه‌های «فیل‌های سفید» به پروژه‌هایی گفته می‌شود که در همه مراحل تعریف، تنظیم، مکان‌یابی و اجرا در دام «ملاحظات و مناسبات سیاسی» و لابی‌های نمایندگان مجلس با وزرا می‌افتند تا محبوبیت سیاسی و منافع مالی متولیان پروژه‌ها را تضمین کنند و معمولاً بازدهی مثبت اجتماعی بلندمدت ندارند. پروژه‌هایی از قبیل «فرودگاه‌سازی»، «سدسازی» و «پتروشیمی‌سازی» که اگرچه به دلیل حجیم و بزرگ بودن شاید توجه و تأیید رأی‌دهندگان را جلب کنند، اما در بلندمدت نتیجه آن، شکست بازدهی اجتماعی، تشدید ناکارایی‌های اقتصادی و افت بهره‌وری اقتصاد است. برای مطالعه بیش‌تر به این سه منبع بنگرید:

- بیراهه پروژه‌های سرمایه‌گذاری «فیل سفید» (۱)؛ قابل مشاهده در آدرس اینترنتی زیر:

<https://bit.ly/2QK35H3>

- ارزیابی اتلاف منابع کشورهای در حال توسعه به دلیل سرمایه‌گذاری‌های اشتباه و بی‌فایده (۲)؛ قابل مشاهده در آدرس اینترنتی زیر:

<https://bit.ly/2QLJF4A>

- فیل‌های سفید اقتصاد ایران: سیاستگذار چگونه می‌تواند پروژه‌های کم‌بازده را دور بزند؟ قابل مشاهده در آدرس اینترنتی زیر:

<https://bit.ly/2EfRoky>

2. Ludwig von, 1881-1973.



از حقوق مالکیت خصوصی بدهد.<sup>۱</sup> سایر اسناد پژوهشی نیز همبستگی کشوری قوی بین حقوق مالکیت کاملاً تعریف شده و توسعه اقتصادی را نشان می‌دهند.<sup>۲</sup>

### علت غایبی رشد اقتصادی چیست؟

از زمان آدام اسمیت همیشه اقتصاددانان می‌خواسته‌اند به علل غایبی و اصلی رشد اقتصادی کشورها پی ببرند. اقتصاددانان نئوکلاسیکی به علل و عوامل تعیین‌کننده دم‌دستی<sup>۳</sup> رشد اقتصادی در چارچوب زمان حال توجه داشتند و متغیرهایی مانند میزان انباشت سرمایه انسانی، تعمیق سرمایه فیزیکی و تغییر بهره‌وری را مد نظر قرار می‌دادند، اما اقتصاد نهادگرا به پیشینه و زمینه هر پدیده از ابعاد گوناگون توجه می‌کند و به دنبال کشف علل ریشه‌ای و زیربنایی<sup>۴</sup> است. برای مثال در این رویکرد تأکید می‌شود هر چقدر در تاریخ عمیق‌تر کنکاش کنیم، به نکات اساسی و پاسخ‌های دقیق‌تری می‌رسیم که در نتیجه آن، عواملی مانند فرهنگ و باورهای مذهبی نیز وارد بحث و تحلیل می‌شود.

رودریک<sup>۵</sup> این علل غایبی و تعیین‌کننده‌های نهایی را در سه عامل اصلی خلاصه و محدود می‌کند که دو عامل نسبتاً درون‌زا و سومی کاملاً برون‌زا است. دو عامل اول عبارتند از: نهادها و یکپارچگی (ادغام) اقتصادی. نهادهای خوب تعریف و دامنه گسترده‌ای دارند شامل حقوق اساسی که باید رعایت کرد؛ از قبیل حمایت از حقوق مالکیت و ضمانت اجرای قراردادها توسط نظام حقوقی کارا، تهیه و تدارک خدمات عمومی و زیرساخت‌های مناسب توسط بوروکراسی کارا و درستکار و برقراری نظم و قانون توسط دولت. منظور از یکپارچگی اقتصادی نیز ارتباط و پیوند کشور با اقتصاد بین‌الملل و باز بودن و گشودگی به روی تجارت خارجی است تا اقتصاد کشور و تولیدکنندگان داخلی از صرفه‌های مقیاس مربوط به بزرگ شدن اندازه بازار در مقیاس جهانی منتفع شوند. عامل برون‌زا، جغرافیاست که به مزیت‌ها و عدم مزیت‌های ناشی از موقعیت مکانی یک کشور، شامل عرض جغرافیایی، نزدیکی به دریا و رودهای قابل کشتیرانی و نوع آب و هوا اشاره دارد.<sup>۶</sup>

1. North, Douglass C. and Barry R. Weingast, (1989) "Constitutions and Commitment: The Evolution of Institutions Governing Public Choice in Seventeenth-century England," *Journal of Economic History* 49, no. 4, 803-32.

2. Bradford, J. De Long and Andrei Shleifer, (1993) "Princes and Merchants: European City Growth before the Industrial Revolution," *Journal of Law and Economics* 36, no. 2, PP. 671-702; Knack, Stephen and Philip Keefer, (1995) "Institutions and Economic Performance: Cross-Country Tests Using Alternative Institutional Measures," *Economics & Politics* 7, no. 3, PP. 207-27; Hall, Robert E. and Charles I. Jones, (1999) "Why Do Some Countries Produce So Much More Output per Worker Than Others?" *Quarterly Journal of Economics* 114, no. 1, PP. 83-116;

Acemoglu, Daron, Simon Johnson, and James A. Robinson, (2001) "The Colonial Origins of Comparative Development: An Empirical Investigation," *American Economic Review* 91, no. 5, PP. 1369-401.

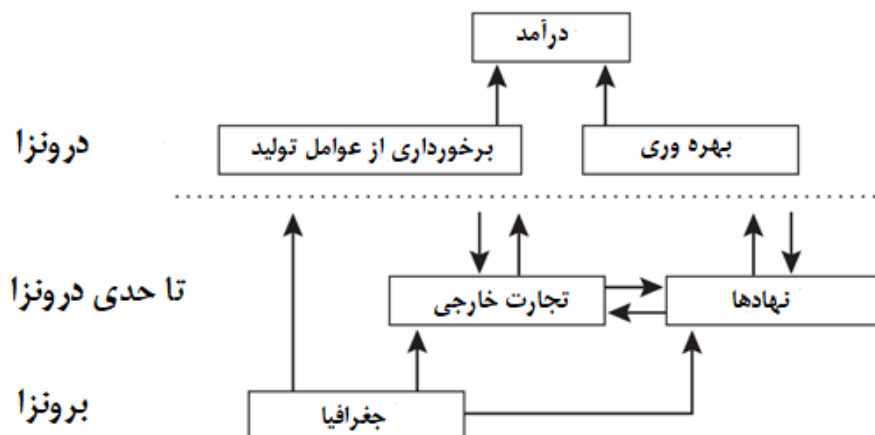
3. Proximate Determinants of Growth

4. Deeper or Underlying Determinant of Growth

5. Dani Rodrik

6. Rodrik, D., ed., (2003) *In Search of Prosperity: Analytic Narratives on Economic Growth*, Princeton University Press, Princeton, NJ and Oxford. P. 5.

شکل ۱. کل فرایند و عوامل مؤثر بر رشد و توسعه اقتصادی



Source: Rodrik, D., ed., (2003) In Search of Prosperity: Analytic Narratives on Economic Growth, Princeton University Press, Princeton, NJ and Oxford.

## ۲. نهادهای خوب: ثروت پنهانی ملت‌ها

هر ساله حدود ۱۴۰ هزار مکزیکی به آمریکا مهاجرت می‌کنند. بیش‌تر آنها فقط کافی است چند ده کیلومتر طی کنند تا به آن سوی مرز مکزیک با آمریکا برسند و کسانی که چنین مهاجرتی می‌کنند امید دارند درآمدشان بیش از چهار برابر شود.<sup>۱</sup> چرا با عبور از یک خط فرضی در صحرا، درآمد فرد چهار برابر افزایش می‌یابد (به بیان دقیق‌تر، مکزیکی‌هایی که به ایالت‌های مرکزی و شمالی آمریکا مهاجرت می‌کنند درآمدشان تا ۵/۵ برابر افزایش می‌یابد). بیان علت‌ها با تفاوت در بهره‌وری نیروی کار دو کشور شروع می‌شود. بر اساس محاسبات سالیانه، هر کارگر در آمریکا حدود ۶ برابر هر کارگر در مکزیک ارزش‌افزوده تولید می‌کند و بنگاه‌ها مایل به پرداخت دستمزد بیش‌تر به کارگرانی هستند که بهره‌وری بالاتری دارند، اما این تبیین رازی دیگر را پیش روی ما می‌گذارد: چرا کارگرانی که در آمریکا کار می‌کنند نسبت به کارگران در مکزیک بهره‌وری بسیار بیش‌تری دارند؟

ارزشمندی این موردکاوی مهاجران برای انجام بررسی تطبیقی در این است که با تمرکز روی آنها، که همگی تجربه مشترک سفری کوتاه در عرض مرز مکزیک با آمریکا را دارند، می‌توان برخی علل احتمالی را کنار گذاشت. برای مثال هنگامی که یک نفر از مرز عبور می‌کند متغیرهای سن، تحصیلات، سابقه کار، مجموعه مهارت‌ها، اخلاق کاری و وضعیت تأهل او تغییری نمی‌کند. همچنین تفاوت محسوسی در آب و هوا و میزان منابع طبیعی منطقه شمالی مرز در مقایسه با منطقه جنوبی آن دیده نمی‌شود.

1. Kirk Hamilton et al., (2006). Where Is the Wealth of Nations? Measuring Capital for the 21st Century, Washington, DC: World Bank.



مهاجران به محض ورود به خاک آمریکا نسبت به آنهایی که در مکزیک باقی ماندند، به سرمایه بیش‌تری (رایانه‌های سریع‌تر و ماشین‌آلات بهتر) دسترسی دارند، اما این عامل فقط بخش کوچکی از تفاوت بهره‌وری و درآمدهای دو سوی مرز را توضیح می‌دهد. نکته اینجاست که بیش‌تر ثروت ملت‌ها قابل دیدن، لمس کردن و اندازه‌گیری نیست.<sup>۱</sup> اما قدرت و ارزش نظریه نهادگرایی در این است که اطلاعات خوبی درباره این ثروت ناملموس که شامل چه چیزهایی می‌تواند باشد، به ما می‌دهد. این نظریه به ما می‌گوید وقتی یک مکزیک‌ای از مرز عبور می‌کند و وارد خاک آمریکا می‌شود، او نه فقط به ماشین‌آلات و ابزارهای متفاوتی (پیشرفته‌تری) دسترسی پیدا می‌کند، بلکه با قوه قضائیه و نظام دادگاهی متفاوت، سازمان مالیات‌ستانی و نظام مقرراتگذاری متفاوت و فرهنگ (نگرش‌ها، خلق‌و‌خوها، درجه اعتماد و باورها) متفاوتی نسبت به تخصص‌گرایی و فعالیت اقتصادی و مبادله، سروکار خواهد داشت.

مهاجرت سالیانه از این سوی بیابان‌های سونورا و چیاواوا در مکزیک به سوی دیگر آنکه در خاک کشور آمریکا واقع است، حکایت از این دارد که تفاوت‌های نادیدنی - همان‌گونه که هراندو دوستو در کتاب «راز سرمایه» تأکید کرد - اهمیت زیادی در فقر و ثروت ملت‌ها دارند. اقتصاد نهادگرا به ما کمک می‌کند تا بفهمیم این تفاوت‌های نادیدنی چه چیزهایی هستند.

## ۱-۲. نهادها دقیقاً چیستند؟

هر جامعه انسانی، چه کوچک یا بزرگ، مجموعه کاملاً پیچیده‌ای از نهاد‌های به هم مرتبط دارد. وجود این نهادها چیزی شبیه صفحه مدارهای داخل رایانه یا گوشی تلفن است که دستگاه با کمک آنها می‌تواند کار کند. اگر دستگاه الکترونیکی کار نمی‌کند، احتمال دارد سیم‌کشی نهادی آن ایراد پیدا کرده باشد. با نگاه به قاب و پوشش براق دستگاه، نمی‌توان فهمید مشکل از کجاست بلکه باید یک کارشناس داخل دستگاه را با دقت بررسی کند.

البته که این استعاره الکترونیکی نمی‌تواند استعاره خیلی مناسبی برای نهادها باشد. چون نهادها معمولاً به شکل طبیعی تغییر و تکامل می‌یابند. نهادها چیزی نیستند که شخصی مانند استیو جابز در «سیلیکون ولی» طراحی کند و بسازد. تمثیل مقایسه‌ای بهتر، سازه‌های زندگی جمعی است که در طبیعت می‌بینیم. کندوی عسل مثال کلاسیک است. با اینکه هر تمثیلی مزایای خاص خود را دارد، باید به یاد داشت که ما در سازماندهی امور سیاسی خود شباهت بیش‌تری به کندوی زنبورها داریم تا در سازمان‌های اقتصادی. در این تشبیه، آدم‌ها شبیه زنبورها و جامعه انسانی هم شبیه کندو است: هوش و قدرت تصمیم‌گیری ما نه درون مغز هر یک از ما، بلکه درون ذهن جمعی جای گرفته است. کارکرد هر یک از افراد جامعه نه فقط به دانش ذخیره شده درون جمعه آن فرد، بلکه به دانش ذخیره شده در جاهای

۱. اقتصاددانان برآورد می‌کنند «سرمایه ناملموس» حدود ۷۷ درصد کل سرمایه‌ها را تشکیل می‌دهد. پیشین، ص ۲۶.

دیگر متکی است: در محیط پیرامونی و به ویژه پیشینه فرهنگی و در باورهای سایر مردم. هنگامی که همه اینها را با هم نگاه می‌کنیم، ذهن و باور انسان‌ها به طرز باورنکردنی اثرگذار می‌شود، اما همه اینها محصول یک جامعه و نه هر فردی به تنهایی هستند. پس نکته ساده این است که نهادها برای انسان‌ها، حکم کندو برای زنبورها را دارند. نهادها ساختارهایی هستند که انسان‌ها خودشان را درون آنها به شکل گروه‌ها و اجتماعات مختلف انسانی سازماندهی می‌کنند. دقیقاً همان‌طور که یک زنبور می‌داند چه وقت درون یک کندو است، ما هم می‌دانیم چه زمان درون یک نهاد هستیم. پس مهم‌ترین ویژگی نهادها، داشتن مرزها و دیوارهایی (محدودیت‌های وضع شده) است که به آنها قاعده و قانون و رسم و سنت می‌گوییم و کارکردهای تشویقی و تنبیهی دارند.

یک نمونه از نهادهای مهم در هر کشوری، سازمان‌های سیاسی مانند مجلس نمایندگان مردم است. هنگامی که از دموکراسی سخن می‌گوییم، در واقع به تعدادی نهادهای مختلف به هم مرتبط اشاره داریم. مردم برگه رأی خود را در صندوق رأی می‌اندازند. نمایندگان منتخب‌شان در مجلس سخنرانی می‌کنند و به طرح‌ها و لوایح رأی می‌دهند؛ اما این کارها به تنهایی و به صورت خودکار برای ما دموکراسی (واقعی) به ارمغان نمی‌آورد. دقیقاً به همان اندازه که انداختن برگه‌های رأی در صندوق آرا مهم است، وجود سازمان‌هایی (معمولاً احزاب سیاسی مستقل) مهم است که نامزدهای انتخابات را معرفی می‌کنند. دقیقاً به همان اندازه که احزاب مهم هستند، وجود مقامات رسمی (کارمندان بی‌طرف شرافتمند درون قوه مجریه، قوه قضائیه و...) مهم است که مسئولیتشان تضمین برگزاری انتخابات سالم و بی‌طرفانه باشد و پس از آن، به موضوع بسیار مهم چگونگی فعالیت خود قانونگذاران و در واقع، کیفیت قانونگذاری و قانون می‌رسیم.

نمایندگه‌های منتخب مردم می‌توانند هویت واحد کاملاً مستقلی تشکیل دهند و در خدمت منافع ملی باشند یا برعکس به قوه بی‌قدرت و بی‌خاصیت و وابسته‌ای تبدیل شوند. اعضای مجلس می‌توانند محکم و استوار پاسدار منافع تمام حوزه انتخابیه خود (حتی کسانی که به آنها رأی ندادند) باشند یا خود را مدیون گروه‌های ذی‌نفع قدرتمندی بسازند که هزینه کارزار انتخاباتی‌شان را تأمین کرده‌اند.

حاکمیت قانون اگر به درستی فهم شود، هیچ شبیه و مانندی در دنیای غیرانسانی ندارد. نزدیک‌ترین چیز به آن، زیرساخت‌های ساخته دست بشر است که ما را احاطه کرده است. زیرساخت‌هایی که به دورنمای زندگی ما شکل می‌دهند، سرپناه ما هستند و رفتارهای ما را محدود و مقید می‌کنند. قانون، حدود و ثغورها را تعیین می‌کند به همان شیوه که دیوارها و نرده‌ها، حد و مرزها را روشن می‌کنند. این جاده پرپیچ و خم است و شیب خیلی تندی دارد؛ در آن جاده با خطر افتادن در آب و غرق شدن روبه‌رو هستید. نهادها همان گاردریل‌های جاده، سرعت‌گیرها و جلوگیری از رفتارهای بی‌مهابا و پرخطر، علائم هشداردهنده، دوربین پلیس، جریمه پلیس و... هستند. لازم به توضیح است که برخی از سامانه‌های قانون به شهرهایی که با برنامه‌ریزی مرکزی ساخته شدند شباهت دارند: مانند مسکو با خیابان‌های بسیار



عریض و بلوک‌های ساختمانی ردیف شده یک شکل. برخی دیگر هم به شهر لندن شبیه‌تر هستند با مجموعه برنامه‌ریزی نشده از خیابان‌های نامنظم و ساختمان‌های منحصر به فرد و عجیب و غریبی که محصول طبیعی قرن‌ها ساختن و بازسازی کردن توسط مالکان خصوصی و عمومی املاک است.<sup>۱</sup> ما انسان‌ها همزمان در چندین نهاد گوناگون حضور داریم: شهروند و مالیات‌دهنده کشور، ساکن و عوارض‌دهنده شهر؛ سهام‌دار، مدیر یا کارمند شرکت؛ مدعی، متهم، قاضی و هیئت منصفه؛ اعضای باشگاه، کارمند یا هیئت امناء. نکته کلیدی درباره نهادها این است که همه مجموعه‌های نهادها، وقتی مجموع بخش‌ها را با هم جمع می‌کنید، برابر نیستند. به عبارت دیگر ترکیبی از خوب و بد نهادها داریم. در برخی از مجموعه‌های نهادها، افرادی که در نقش‌های مختلف فرد، خانواده و انجمن محلی ظاهر می‌شوند، می‌توانند پیشرفت کنند و خود و کشورشان را به شکوفایی برسانند. زیرا نهادها واقعاً به آنها انگیزه می‌دهند تا کارهای خوب انجام دهند؛ برای مثال اختراع روش‌هایی جدیدتر و کم‌هزینه‌تر برای انجام کارها یا همکاری با همسایگان به جای اذیت و آزار رساندن به همدیگر. برعکس آن را در چارچوب‌های نهادی داریم که اثری مخالف دارند: مشوق رفتارهای بد هستند؛ مانند وقت خود را به بطالت گذراندن، دزدیدن اموالی که نسبت به آنها چشم طمع داریم یا کشتن آدم‌هایی که مزاحم ما می‌شوند. هر جا که نهادهای بد دیده شوند، مردم در چرخه‌های شوم و باطل بی‌سواد، بیماری، فقر و اغلب خشونت گرفتار می‌شوند. تأسف بار است که تاریخ بشر نشان می‌دهد تعداد این چارچوب‌های غیربهبه‌از چارچوب‌های خوب بیشتر هستند. دستیابی به مجموعه خوبی از نهادها کار بسیار سختی است. برعکس گیر افتادن در دام نهادهای بد، به آسانی اتفاق می‌افتد. اگر از نهادهای خوب نیز حراست نشود، به نهادهای بد تبدیل می‌شوند. به همین دلیل است که بیش‌تر کشورها در تاریخ، فقیر و نیز ناآگاه، ناخوش احوال و غرق در خشونت و خونریزی بوده‌اند.<sup>۲</sup>

دانشمندان علوم اجتماعی معاصر و به ویژه اقتصاددانان، با بررسی‌های علمی تاریخی خوبی که انجام دادند، بین مجموعه نهادهای دسترسی باز و دسترسی بسته (یا محدود) تمایز قائل شدند. آنها به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها بودند که چرا نهادهای بد و دسترسی بسته داریم؟ و دشمنان دسترسی باز یا دشمنان حاکمیت قانون چه کسانی هستند؟

پاسخ به این پرسش‌ها مدیون حجم عظیمی از مطالعات آکادمیک چند دهه گذشته است که اکنون فراهم شده و به نتایج خوب و قابل توجهی رسیده است. پرنفوذترین این افراد عبارتند از: داگلاس نورث (برنده جایزه نوبل به دلیل کارهایش درباره نهادها)، هرناندو دسوتو (اقتصاددان اهل پرو و نویسنده کتاب‌های «راه دیگر» و «راز سرمایه»)، دارون عجم اوغلو و جیم رابینسون (با کتاب «چرا ملت‌ها شکست

1. Ferguson Niall (2014) Great Degeneration: How Institutions Decay and Economies Die, Penguin Books, PP. 16-17.

۲. همان، صص. ۱۸-۲۰.

می‌خورند»، و پل کولیر (اقتصاددان برجسته که درباره عقب‌ماندگی آفریقا تحقیق می‌کند و نویسنده کتاب‌های «یک میلیارد پایینی» و «سیاره غارت شده». اینها به روشنی نشان دادند چرا ملت‌های فقیر فقیر می‌مانند و چگونه به توسعه اقتصادی برسیم.

بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پرسش در حوزه توسعه اقتصادی این است که چرا و چگونه فقط تعداد معدودی از کشورهای جهان (حدود یک‌پنجم) طی ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال گذشته موفق شدند به توسعه اقتصادی و ثروت مادی فراوان برسند؟ پاسخ نهادگرایان که بر نقش نهادها تأکید دارند بهترین پاسخ (تاکنون) بوده است. برای مثال داگلاس نورث، جان والیس و بری واینگست در کتاب «خشونت و نظم‌های اجتماعی»، بین دو مرحله یا الگوی سازماندهی انسانی تمایز قائل می‌شوند.<sup>۱</sup> نخست آنچه آنها حکومت طبیعی یا نظم دسترسی محدود می‌نامند با ویژگی‌هایی به شرح زیر:

- اقتصاد با میانگین رشد پایین و پرنوسان و آسیب‌پذیر در برابر تکانه‌های بیرونی
  - سازمان‌های سیاسی و اقتصادی غیردولتی نسبتاً اندک
  - دولت متمرکز که بدون رضایت حکومت‌شوندگان حکومت می‌کند
  - روابط اجتماعی که حول ارتباط‌های شخصی و فامیلی سازماندهی شده است
  - ائتلاف مسلط که دسترسی به سازمان‌های اقتصادی و سیاسی را محدود می‌کند.
- نظم دوم که دسترسی باز گفته می‌شود ویژگی‌های زیر را دارد:
- رشد اقتصادی کم‌نوسان و سریع‌تر،
  - جامعه مدنی پویا و سرزنده با تعداد زیاد سازمان‌های عمومی و خصوصی مستقل از حکومت،
  - دولت غیرمتمرکزتر،
  - روابط اجتماعی تحت تأثیر نیروهای غیرشخصی مانند حاکمیت قانون که مستلزم حقوق مالکیت مورد احترام و تضمین شده، انصاف و (دست‌کم در نظریه) برابری است.
- در روایت نورث و همکاران وی، حکومت‌های اروپای غربی به رهبری انگلستان، نخستین کشورهایی بودند که از نظم دسترسی محدود، به دسترسی باز گذار کردند. برای چنین گذاری یک کشور باید «به آن ترتیبات نهادی پر و بال و میدان دهد که روابط درون فرادستانی به شکل غیرشخصی شود و سپس مشوق‌های جدیدی برای فرادستان خلق و حفظ شود. در این مقطع، فرادستان امتیازات شخصی خود را به حقوق غیرشخصی تبدیل می‌کنند. به همه فرادستان، این حق داده می‌شود تا سازمان‌های سیاسی و اقتصادی خود را تأسیس کنند نظم اجتماعی از منطق حکومت طبیعی که با ایجاد انحصارها و تبعیض‌ها رانت خلق می‌کند به سمت منطق دسترسی باز و تشویق تخریب خلاق و کمرنگ شدن نقش رانت‌ها از طریق آزادی ورود تغییر می‌کند».<sup>۲</sup>

۱. نورث، داگلاس و همکاران، «خشونت و نظم‌های اجتماعی: چارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ ثبت شده بشر»، ترجمه جعفر خیرخواهان و رضا مجیدزاده، انتشارات روزنه، فصل یکم، «چارچوب مفهومی»، ۱۳۹۶، صص ۲۹-۷۶.

۲. همان، فصل پنجم «گذار از نظم دسترسی محدود به نظم دسترسی باز: شرایط آستانه‌ای» صص. ۲۴۳-۲۹۸.



هر کشور فقیر و توسعه‌نیافته برای وارد شدن به گروه کشورهای توسعه‌یافته باید دو مرحله را طی کند: ابتدا از حکومت نظم دسترسی محدود شکننده، به پایه و سپس بالغ برسد و سپس با برآورده کردن سه شرط آستانه‌ای، آماده ورود به کشورهای نظم دسترسی باز شود. یکی از «شرط‌های آستانه‌ای» برای گذار به نظم دسترسی باز، «حاکمیت قانون برای فرادستان» است. دو شرط آستانه‌ای دیگر هم ظهور «سازمان‌های با عمر دائمی در قلمروهای عمومی و خصوصی» و «کنترل یکپارچه و مستحکم نظامیان توسط سیاستمداران» است.

تحول سرنوشت‌ساز به سمت دسترسی باز با انقلاب‌های فرانسه و آمریکا به‌وجود آمد که شاهد گسترش شرکت‌های سهامی عام و مشروعیت بخشیدن به رقابت علنی در هر دو قلمرو اقتصادی و سیاسی بودیم. سپس در هر مرحله از این استدلال، تأکید روی نهادهاست که با تغییر قانون زمین در انگلستان پس از قرن یازدهم میلادی شروع می‌شود و با تغییر شیوه برخورد حقوقی با موجودیت شرکت‌ها در قرون نوزدهم به اوج می‌رسد.

شکل ۲. سه ستون نظم سیاسی مدرن از فوکویاما



در روشی مشابه، فرانسیس فوکویاما در کتاب‌های ریشه‌های نظم سیاسی (۲۰۱۱) و نظم و زوال سیاسی (۲۰۱۴) «سه مؤلفه نظم سیاسی مدرن» را تعریف می‌کند که عبارتند از: «حکومت قوی و مدرن، تبعیت حکومت از حاکمیت قانون و پاسخگویی دولت به همه شهروندان»<sup>۱</sup> و به عبارت دیگر، بوروکراسی، حاکمیت قانون و دموکراسی. این سه مؤلفه برای نخستین بار در اروپای غربی با همدیگر ظاهر شدند، اما چرا اروپا و نه آسیا؟ عجم اوغلو و رابینسون در کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند»، یک مقایسه

1. Francis Fukuyama, (2014) Political Order and Political Decay: From the Industrial Revolution to the Globalization of Democracy, Farrar, Straus, and Giroux.

فوکویاما، فرانسیس، «نظم و زوال سیاسی»، ترجمه رحمن قهرمانپور، انتشارات روزنه، ۱۳۹۶.

شگفت‌آور بین مصر امروز و انگلستان قرن هفدهم را بدین ترتیب شرح می‌دهد: علت اینکه انگلستان ثروتمندتر از مصر است، این است که انقلاب سال ۱۶۸۸ در انگلستان، عرصه سیاسی و اقتصادی آن ملت را دگرگون کرد. مردم این کشور برای حقوق سیاسی بیش‌تر می‌جنگیدند و از این حقوق بیش‌تر برای گسترش فرصت‌های اقتصادی خود استفاده کردند. نتیجه آن نیز حرکت در مسیر سیاسی و اقتصادی از بنیاد متفاوتی بود که راه را برای انقلاب صنعتی باز کرد. به گفته این نویسندگان، انگلستان نخستین کشوری بود که به سمت ایجاد نهادهای سیاسی «فراگیر» یا «متکثر» به جای نهادهای سیاسی «بهره‌کش» حرکت کرد. البته سایر جوامع اروپای غربی (برای نمونه اسپانیا) در آن مقطع موفق به این کار نشدند. نتیجه اینکه برون‌دادهای استعمارگری اروپایی‌ها در شمال و جنوب قاره آمریکا کاملاً متفاوت بود. انگلیسی‌ها نهادهای فراگیر خود را به آمریکای شمالی صادر کردند، اما اسپانیایی‌ها در همین حد قانع بودند که نهادهای بهره‌کش خود را بر رأس امپراتوری‌های آزتک و اینکا که به تصرف درآوردند، تحمیل کنند.<sup>۱</sup>

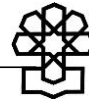
البته انگلیسی‌ها نهادهای فراگیر را فقط به جاهای خوش آب و هوایی مانند آمریکای شمالی و استرالیا انتقال دادند که قصد استقرار و سکونت دائمی داشتند؛ اما در هندوستان و آفریقا که اقامت موقتی داشتند، نهادهای بهره‌کش را مستقر کردند. اقتصاددانان توسعه (مهم‌ترینشان پل کولیر) مدتی طولانی راجع به این موارد متضاد و متعارض اندیشه می‌کردند. به نظر می‌رسد نمونه موفقی مانند بوتسوانا، این واقعیت را روشن می‌کند که اگر ساختار قدرت و ائتلاف فرادستان به نحوی چیده شود که کشور را گرفتار فساد مزمن یا جنگ و نزاع داخلی نکنند، حتی یک اقتصاد آفریقایی هم می‌تواند به رشد مداوم برسد. بوتسوانا برخلاف بیش‌تر حکومت‌های آفریقایی پس از استعمار، وقتی به استقلال رسید، موفق شد نهادهای فراگیر به جای نهادهای بهره‌کش ایجاد کند.<sup>۲</sup>

## ۲-۲ نهادها حکم می‌کنند

از برخی جهات شاید طبیعی نباشد بخواهیم تفاوت رفتار انسان‌ها را به تفاوت در نهادها نسبت دهیم. اگر دوست خشمگین ما به خشونت متوسل می‌شود یا فامیل مقروض ما تندخویی می‌کند، به ندرت ذهن ما به این سمت می‌رود که لابد نهادها در چنین رفتاری نقش داشتند. در این موارد، منطقی‌تر است انتخاب‌های رفتاری را به شخصیت و سابقه افراد نسبت دهیم، اما اگر قلمرو وسیع مکانی و زمانی را در نظر بگیریم، جوامع بزرگی را مشاهده می‌کنیم که به شکلی نظام‌مند، به سمت خشونت و فقر کشیده شدند. در بیش‌تر

۱. دارن عجم اوغلو و جیمز رابینسون، «چرا ملتها شکست می‌خورند؟»، ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی‌پور، انتشارات روزنه، ۱۳۹۴.

2. Collier Paul (2007) Bottom Billion: Why the Poorest Countries Are Failing and What Can Be Done About It, Oxford University Press.



موارد، این جوامع انباشته از خشونت و فقیر دارای جغرافیای یکسان، تاریخ یکسان و حتی اجدادی یکسان با مردمان دیگری هستند که خشونت کم‌تر و رونق اقتصادی بیش‌تر در آنها رواج دارد.

هنگام تحلیل برون‌دادهای اجتماعی در سطح یک جامعه بزرگ، تبیین‌های نهادی اغلب منطقی‌تر از تبیین‌های شخصیت-محور هستند. این همان نکته اصلی نورث در سخنرانی نوبل خود بود: «سازمان‌هایی که در هر جامعه به‌وجود می‌آیند، بازتاب‌دهنده فرصت‌هایی هستند که ماتریس نهادی فراهم کرده است. اگر دزدی بالاترین نرخ بازده را در یک اقتصاد داشته باشد، می‌توان انتظار داشت سازمان‌ها (بنگاه‌های اقتصادی) در مهارت‌ها و دانش‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که از آنها دزدهای بهتری خواهد ساخت. به همین نحو، اگر فعالیت‌های مولد بازده بالایی داشته باشند انتظار خواهیم داشت سازمان‌ها منابع را صرف سرمایه‌گذاری در مهارت‌ها و دانش‌هایی کنند که بهره‌وری را افزایش خواهد داد.»<sup>۱</sup> یا همان‌گونه که یک مقاله به موجزترین شکل ممکن تصریح می‌کند: «نهادها حکم می‌کنند».<sup>۲</sup>

برخی اقتصاددانان دریافته‌اند که علت بیش‌تر تفاوت‌ها و نابرابری‌های مشاهده شده در شرایط انسانی در سراسر جهان، به تفاوت‌های نهادی مربوط می‌شود. برای مثال، تعدادی از اقتصاددانان متوجه شده‌اند در مکان‌هایی از قبیل باربادوس، کوبا و هائیتی، قدرت‌های اروپایی نهادهایی تأسیس کردند که قدرت سیاسی و حقوقی بسیار بیش‌تری به فرادستان می‌داد تا به طبقات محروم سرکوب شده (که اغلب به نژادها و قومیت‌های متفاوتی تعلق داشتند). در این مکان‌ها، فرادستانی که صاحب امتیازهای سیاسی و حقوقی بودند، تمام تلاش خود را به‌کار می‌گرفتند تا جلوی وقوع «تخریب خلاق» را بگیرند، چون آنها می‌ترسیدند اگر به تازه‌واردان اجازه ورود به عرصه سیاسی و اقتصادی دهند، قدرت و جایگاه سیاسی و اقتصادی خودشان به خطر می‌افتد. چنان میراثی امروزه در نهادهای برجای‌مانده حقوقی و فرهنگی پدیدار می‌شوند که دشمن کارآفرینی و تخریب خلاق هستند. نتیجه چنان تصمیمی که فقر شدید و نابرابری است، هنوز و با گذشت چند قرن همچنان آشکار است. اما این فقط نهادهای رسمی نیستند که اهمیت دارند. همان‌گونه که ویلیامسون در مقاله دیگری تصریح می‌کند، «نهادهای غیررسمی نیز حکم می‌کنند».<sup>۳</sup> قواعد غیررسمی، محدودیت‌های خصوصی هستند که از درون رسوم، هنجارها و فرهنگ بیرون می‌آیند. نهادهای غیررسمی برخلاف نهادهای رسمی، به شکل خودجوش توسعه می‌یابند. قواعد رسمی و غیررسمی به شیوه‌های مهمی در تعامل هستند. موفقیت در توسعه اقتصادی به این بستگی دارد که آیا قواعد رسمی در قواعد غیررسمی موجود ریشه دارند یا خیر؟

1. North Douglass C., Prize Lecture, Lecture to the memory of Alfred Nobel, "Economic Performance through Time," December 9, 1993. <https://www.nobelprize.org/prizes/economic-sciences/1993/north/lecture/>

نورث این گفتار مهم را در صفحه ۱۰۵ کتاب «فهم فرایند تحول اقتصادی» خود نیز با اندکی تفاوت آورده است که در سال ۱۳۹۶ توسط میرسعید مهاجرانی و زهرا فرضی‌زاده، نشر نهادگرا به فارسی ترجمه شده است.

2. Rodrik, Dani, Arvind Subramanian, and Francesco Trebbi, (2004) "Institutions Rule: The Primacy of Institutions over Geography and Integration in Economic Development," *Journal of Economic Growth* 9, no. 2, 131–65."

3. "Williamson, Claudia R. (2009) "Informal Institutions Rule: Institutional Arrangements and Economic Performance." *Public Choice* 139, no. 3–4, PP 371–87."

در بیش‌تر خط‌مشی‌ها و برنامه‌های احزاب و دستجات سیاسی، فرض آشکار این است که اگر کارها سامان نمی‌گیرد و اوضاع خوب پیش نمی‌رود- اگر فلان پروژه زیان‌ده شده است، این ارگان دولتی غرق فساد است یا آن سیاست پیامدهای ناخواسته منفی دارد- مشکل به «رهبری و مدیریت بد» بازمی‌گردد و راهکار این است که شخص دیگری را سرکار بیاوریم تا کارها را بهتر جلو ببرد. البته سیاستمدارانی که می‌خواهند صاحب‌منصبان کنونی را به چالش بکشند و خودشان به جای آنها بر مسند تکیه بزنند، چنین برداشت و ذهنیتی را تقویت می‌کنند که اجازه دهید ما بیاییم و خواهید دید چه می‌کنیم! حقیقتاً به طور معمول با هر انتخابات جدید، بخش قابل توجهی از رأی‌دهندگان آرمان‌گرا یا کسانی که نخستین بار رأی می‌دهند، شیفته و فریفته سخنان و وعده‌هایی می‌شوند که چیزی جز وعده‌های دست‌نیافتنی و آرمانی نیست. مشکل اصلی این است که این سیاستمدار و رئیس جدید به محض اینکه به قدرت رسید، معمولاً شبیه رئیس قبلی می‌شود. اقتصاد نهاد‌گرای جدید که بر پایه اقتصاد نئوکلاسیکی بنا شده است، نظریه قیمت را درون بافتار نهادی و فرهنگی جاسازی می‌کند. این رویکرد اقتصادی هشدار می‌دهد که اگر می‌خواهیم به تغییر اجتماعی معنادار و بادوام برسیم، به احتمال زیاد باید از تغییرات نهادی شروع کنیم؛ به جای اینکه آدم‌ها و پرسنل را تغییر دهیم. برای مثال بررسی‌ها نشان می‌دهد مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده تغییر الگوهای رفتاری و بهبود کیفیت سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌ها، عوامل نهادی و نه تغییر در حزب رئیس‌جمهور است.

بنابراین نهادها بسیار اهمیت دارند. به گفته داگلاس نورث «نهادها قواعد بازی در یک جامعه هستند. آنها محدودیت‌های وضع شده توسط انسان‌ها هستند که به تعاملات انسانی شکل خاصی می‌بخشند»<sup>۱</sup>. اگر گروه یکسانی از آدم‌ها را در دو محیط نهادی متفاوت قرار بدهیم- برای مثال در یک محیط، مالکیت خصوصی حاکم است و در محیط دیگر مالکیت به شکل اشتراکی و مشاع باشد- دو مجموعه بسیار متفاوت از برون‌دادهای رفتاری از این گروه یکسان مشاهده می‌کنیم. همان‌گونه که در ادامه استدلال می‌کنیم، بافتار (متن- زمینه) مهم است چون هزینه‌های مبادله مهم است و ساختارهای اجتماعی زیربنایی متفاوت می‌توانند آثار عمیقی بر هزینه‌های مبادله بگذارند.

### ۳-۲. هزینه‌های مبادله همه جا هستند

هر معامله‌ای- حتی معامله دوطرفه سودآور- هزینه دارد. افراد باید شرکای تجاری مایل به معامله را پیدا کنند، با هم بر سر شرایط معامله چانه بزنند و همدیگر را زیر نظر داشته باشند تا مطمئن شوند به تعهدات توافق شده پایبند می‌مانند. این فعالیت‌ها با هم «هزینه‌های مبادله» یک معامله را تشکیل می‌دهند. آنها را نباید با رابطه مبادله (قیمتی که خریدار توافق می‌کند بابت کالا یا خدمت معین به فروشنده بپردازد) اشتباه گرفت. هزینه مبادله آن هزینه اضافی است که هر دو خریدار و فروشنده هنگام

1. <https://www.nobelprize.org/prizes/economic-sciences/1993/north/lecture/>



تلاش برای به توافق رسیدن بر سر شرایط معامله و تضمین این شرایط متحمل می‌شوند. پس هزینه‌های مبادله را باید به عنوان مانع و مشکلی دید که چوب لای چرخ فرایند مبادله می‌گذارد و بهبود شرایط زندگی مردم از طریق تجارت را دشوارتر می‌کند.

در نظام اقتصادی اشتراکی که تصمیم‌گیری کاملاً متمرکز و از بالا به پایین است، هزینه مبادله وجود ندارد و هزینه‌های اداری جای آن را می‌گیرد. در اقتصادهای مدرن بخش قابل توجه و احتمالاً فزاینده‌ای از منابع به هزینه‌های مبادله اختصاص می‌یابد.

رونالد کوز نخستین کسی بود که ایده هزینه‌های مبادله را در سال ۱۹۳۷ در مقاله «ماهیت بنگاه» معرفی کرد. در آنجا او استدلال کرد «به نظر می‌رسد دلیل اصلی سودآور بودن تأسیس بنگاه این باشد که استفاده از سازوکار بازار هزینه دارد. اگرچه وجود بنگاه باعث از بین رفتن هزینه مربوط به قراردادهای نمی‌شود، اما به شدت آنها را کاهش می‌دهد. یک عامل تولید (یا مالک آن) مجبور نیست که قراردادهایی با سایر عواملی که او در درون بنگاه با آنها همکاری می‌کند منعقد سازد، در حالی که اگر این تشریک مساعی نتیجه مستقیم کارکرد سازوکار قیمت بود این قراردادهای ضروری می‌شدند. پس بنگاه با استخدام افراد در قالب یک قرارداد بلندمدت، هزینه مبادله را کاهش می‌دهد چون این قرارداد کلی جای همه قراردادهای جداگانه برای انجام هر کاری را می‌گیرد که افراد در خطوط مرتبط تولید برای یکدیگر انجام می‌دهند»<sup>۱</sup>.

بیست‌وسه سال بعد دوباره کوز هزینه‌های مبادله را بر سر زبان‌ها انداخت، اما این دفعه برای تبیین اینکه چگونه می‌توان مشکل «پیامدهای بیرونی» را از طریق معامله رفع و رجوع کرد. در آن زمان مانند امروز یکی از دغدغه‌های اصلی اقتصاددانان وجود پیامدهای بیرونی بود. پیامد بیرونی هنگامی رخ می‌دهد که در جریان معامله بین خریدار و فروشنده، طرف سومی که هیچ نقشی در این معامله ندارد متحمل هزینه یا فایده‌ای از آن معامله شود.<sup>۲</sup>

رونالد کوز در سخنرانی خود برای دریافت جایزه نوبل اقتصاد گفت: «اگر هزینه انجام معامله بیش‌تر از منفعی باشد که از آن معامله عاید خواهد شد، چنین معامله‌ای انجام نخواهد شد و تولید بیش‌تری که از تخصص به دست خواهد آمد محقق نمی‌شود. به این ترتیب، هزینه‌های مبادله نه فقط بر ترتیبات قراردادی تأثیر می‌گذارد، بلکه روی اینکه چه کالاها و خدماتی تولید می‌شوند نیز مؤثر است. در واقع بخش زیادی از آنچه که ما فکر می‌کنیم فعالیت اقتصادی است طراحی شده است تا کارهایی انجام شود که هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهد تا افراد بتوانند به آسانی با هم مذاکره کنند و ما بتوانیم از دانش‌های پراکنده‌ای که هایک به آن اشاره می‌کند بهره‌مند شویم»<sup>۳</sup>.

۱. کوز، رونالد (۱۹۳۷) «ماهیت بنگاه»، ترجمه محمود مشهدی‌احمد، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، دوره ۱۲، ش ۱، بهار و تابستان، ۱۲۸۴، صص ۴-۱۹۲.

2. Coase, Ronald H. (1960), 'The problem of social cost', *Journal of Law and Economics*, 3, PP 1-44.  
3. Coase, R.H. (1992), 'The Institutional Structure of Production', *The American Economic Review*, 82 (4), 713-19. Lecture Delivered in Stockholm, Sweden Accepting the Alfred Nobel Memorial Prize in Economic Sciences, December 9, 1991.

برای مثال ساکنان یک شهر را در نظر بگیرید که از کارخانه تولید رب و سس گوجه شکایت می‌کنند که باعث جاری شدن اشک از چشمانشان و سوزش گلویشان شده است. آنها معترض هستند این کارخانه هزینه‌هایی را که بر ساکنان اطراف تحمیل می‌کند در نظر نمی‌گیرد. راهکار سنتی برای مسئله‌ای مانند این را آرتور پیگو اقتصاددان در سال ۱۹۲۰ پیشنهاد داد که از شرکت‌های آلاینده بابت هر هزینه‌ای که بر دیگران تحمیل می‌کنند مالیات بگیرد. مالیات‌ستانی باعث خواهد شد تا آنها پیامدهای بیرونی را که بر دیگران تحمیل می‌کنند به رسمیت بشناسند یا «درونی کنند» و اگر نیاز بود، حتی فعالیت تولیدی خود را تغییر دهند. راهکار پیگویی معمولاً یک بهبود نسبت به مقررات دستوری و کنترلی است؛ چون به تولیدکنندگان که دانش محلی دارند اجازه می‌دهد بهترین روش کاهش هزینه را انتخاب کنند. برای مثال چنین روشی بهتر از آن مقررات‌گذاری است که دستور اجرای راهکار فناورانه خاصی را می‌دهد، اما احتمال دارد چنین فناوری در آینده کهنه یا پست‌تر شود.

اما رویکرد پیگو نیز مشکلاتی دارد و مستلزم این است که سیاستگذاران اندازه هزینه بیرونی را به درستی بسنجند که البته کار آسانی نیست. علاوه بر این، مستلزم در نظر گرفتن کامل هر عامل دیگری است که بر مقدار محصول تولیدشده تأثیر می‌گذارد یا تلاش‌هایی که برای کاهش آسیب‌ها از قبیل سایر مالیات‌ها، یارانه‌ها، مقررات‌گذاری‌ها یا چانه‌زنی‌ها بین طرفین تأثیرپذیرفته صورت می‌گیرد. در نتیجه یافتن مالیات درست پیگویی تقریباً ناممکن می‌شود.

کوز راهکار متفاوتی را پیشنهاد داد. او با تشخیص و پذیرش این واقعیت شروع کرد که پیامدهای بیرونی حالت «معامله به مثلی» دارند؛ یعنی بحث نباید بر سر این باشد که جلوی «الف» را بگیریم تا به «ب» آسیبی نزنند، زیرا «جلوگیری از آسیب زدن به «ب» باعث می‌شود تا به «الف» آسیب بزنیم». اگر به فروشندگان رب و سس خوشمزه اجازه تولید این محصول را ندهیم آنها و مشتریان‌شان زیان خواهند دید. زبانی که مالکان کارخانه و مشتریان محصول متحمل می‌شوند، شاید بیش‌تر از زیان وارده به کسانی باشد که چشم و گلویشان از بوی آزاردهنده رب آسیب می‌بینند. کوز با صراحت تأکید کرد مسئله اصلی باید این باشد که جلوی زیان جدی‌تر را بگیریم، اما لازمه این کار سنجیدن زیان‌هاست؛ نیاز به دانستن اینکه بوی بد رب چقدر برای همسایگان اذیت‌کننده است و مقایسه با اینکه اگر کارخانه را مجبور به نصب فیلتر، کاهش تولید، تغییر مکان یا توقف عملیات کنیم، چقدر هزینه برای کارخانه رب و مشتریان‌شان ایجاد خواهیم کرد.

بینش کوز این بود که در دنیای با کم‌ترین هزینه مبادله و حقوق مالکیت آشکارا مرزبندی شده و روشن، مذاکره بین کارخانه رب و همسایگانش کمک می‌کند تا زیان‌های مربوط را ارزیابی کنیم. مادامی که تولیدکننده و همسایگانش حقوق مالکیت روشنی به هوای پیرامون کارخانه دارند (مقدمه ضروری برای مبادلات بازاری)، آنها قادر خواهند بود با همدیگر مذاکره کنند. مهم‌تر اینکه، مذاکرات آنها به توافقی



منجر خواهد شد که جلوی بیش‌ترین زیان را می‌گیرد. برخلاف فهم شهودی، کوز همچنین نشان داد طرفین به راهکار دقیق یکسانی خواهند رسید، بدون توجه به اینکه دادگاه‌ها حقوق مالکیت را چگونه تخصیص دهند؛ چه اعلام کنند کارخانه رب حق قانونی انتشار بوهای نامطبوع را دارد یا همسایگان حق قانونی وادار کردن کارخانه رب به توقف تولید را دارند. بنابراین کوز دلیل دیگری ارائه داد که چرا حقوق مالکیت اهمیت دارد (اگر علاقمند به دانستن سرنوشت و نتیجه این نوع اختلاف‌ها هستید، معمولاً طرفین بدون مراجعه به دادگاه با همدیگر به توافق می‌رسند که معمولاً نصب فیلتر هوای مناسب از سوی کارخانه آلوده‌کننده است. این دقیقاً همان نوع توافقی است که کوز آن را امکان‌پذیر می‌داند).

جورج استیگلر اقتصاددان، نام این بینش کوز را «قضیه کوز» گذاشت. متأسفانه چون کوز حواس‌ها را به سمت آنچه در دنیای با هزینه مبادله صفر رخ خواهد داد برد، بسیاری این‌گونه تفسیر کردند که منظور کوز این است که ما در دنیای با هزینه مبادله صفر زندگی می‌کنیم، اما کاملاً برعکس، او می‌خواست نقش هزینه‌های مبادله را برجسته کند؛ چون باور داشت این هزینه‌ها در بیش‌تر موارد بسیار چشمگیر هستند و احساس می‌کرد بسیار مهم است درک کنیم چرا چنین است.

نهادهای مهم هستند، چون درجه مرزبندی و حریم‌گذاری حقوق مالکیت خصوصی را تعیین می‌کنند و چون اندازه هزینه‌های مبادله را تعیین می‌کنند. اگر باورها و سنت‌های فرهنگی و قواعد حقوقی یک کشور، استفاده از سازوکار قیمت‌ها برای مبادله را چنان پرهزینه کنند که بازارها از کارکرد بیفتند، مردم آن کشور فرصت‌ها برای مبادله‌های دوجانبه سودآور را از دست می‌دهند و به خاطر از دست دادن این فرصت‌ها فقیرتر خواهند شد. به همین دلیل است که به گفته اولیور ویلیامسون، برنده نوبل اقتصاد، «فکر و ذکر اقتصاد نهادی جدید به ریشه‌ها و دلایل وقوع هزینه‌های مبادله و شاخه‌های آن معطوف شده است».

#### ۴-۲. مشکلات شناخت و اجرای نهادهای خوب

تلاش‌های انجام شده برای اعتبار بخشیدن به اهمیت نهادها با کمک تحلیل‌های آماری، نتایج مبهمی داشته است، حال می‌خواهد این نهادها حقوق مالکیت، آزادی‌های مدنی، ثبات سیاسی یا سرمایه اجتماعی باشند. البته نرسیدن به نتایج قطعی جای تعجب ندارد؛ چون مؤلفه‌های نهادی مشاهده‌نشده‌ای وجود دارد که در عین تأثیرگذاری مستقیم روی کارآمدی یک نهاد، احتمالاً در بین جوامع گوناگون تفاوت‌های قاعده‌مندی دارند. چنان‌که گریف توضیح می‌دهد، دو جامعه دارای قوانین رسمی یکسان برای تعریف و تصریح حقوق مالکیت، میزان سرمایه‌گذاری بسیار متفاوتی خواهند داشت، اگر که باورهای حاکم درباره ضمانت اجرای این حقوق، در هر کدام از جوامع با دیگری تفاوت داشته باشد.<sup>۱</sup>

1. Greif, A., (2006) *Institutions and the Path to the Modern Economy: Lessons from Medieval Trade*, Cambridge University Press, Cambridge. PP. 20-21.

از دیدگاه اقتصاد نهادی، نهادهای خوب به نهادهایی گفته می‌شود که مسائل مورد ابتلای صاحبان کسب‌وکار را با کارایی بالا حل‌وفصل می‌کنند و با پایین نگه داشتن هزینه‌های مبادله، امکان انجام انواع معاملات دوجانبه سودآور را فراهم می‌کنند. نهادهای خوب، دولت و جامعه را به انجام وظایفی به این شرح تشویق می‌کنند: تضمین حقوق مالکیت، حفاظت از سود و بازده حاصل از سرمایه‌گذاری افراد و بنگاه‌های اقتصادی، تسهیل در ضمانت اجرای قراردادها و حل‌وفصل اختلافات و مناقشات.

ارزیابی دقیق نقش نهادها از سه جنبه با مشکل مواجه می‌شود: نخست، ساختار نهادی هر جامعه حالتی منحصر به فرد دارد؛ زیرا نهادهای هر جامعه با جامعه دیگر تفاوت جدی و اساسی دارند. خیلی ساده احتمال دارد در این دام بیفتیم که نهادهای دو جامعه را شبیه هم بدانیم، در حالی که در واقعیت کاملاً متفاوتند. در نتیجه بسیار دشوار است که بخواهیم ماهیت و نقش چنین نهادهایی را به سایر جوامع تعمیم دهیم. دوم اینکه، عملکرد یک نهاد معین از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت بوده و اندازه‌گیری عملکرد آن نهاد نیز بسیار دشوار است. حتی نهادهایی که بد شناخته می‌شوند، از حیث درجه کارآمدی در بد بودن در بین جوامع گوناگون، کاملاً متفاوت عمل می‌کنند. سوم اینکه، در جریان روند تکاملی نهادها، روشن نیست شدت و درجه وابستگی به مسیری که جلوی تغییر و تکامل را می‌گیرد، چقدر است. به این دلیل به روایتگری تحلیلی<sup>۱</sup> نیاز است تا بتوان شرحی کامل از شکل و قالب خاص نهادها و عملکرد آنها به دست آورد.

سؤال مهم دیگر این است که چگونه عملکرد خوب نهادها را می‌سنجیم؟ در سال‌های اخیر، تمرکز اصلی به سمت میزان هزینه مبادله جلب شده است؛ عملکرد خوب به معنای هزینه‌های مبادله اندک است. اغلب این استدلال آورده می‌شود که در یک جامعه دمکراتیک که بر اساس اصول بازار سازماندهی شده باشد، هزینه‌های مبادله کم‌تر از نظام متمرکزی است که در آن مقرراتگذاری دولت شیوه رایج سازماندهی است. در آن نوع نظام اقتصادی که نظریه نئوکلاسیکی نظام بهینه در نظر می‌گیرد، چنین هزینه‌هایی صفر فرض می‌شود؛ یعنی هیچ‌گونه اصطکاک و سایشی در طرز کار نظام بازار وجود ندارد، اما بر اساس نظریه اقتصاد نهادگرایی جدید، مقدار هزینه‌های مبادله در همه نظام‌های اقتصادی مثبت است و مقدار آنها تعیین‌کننده مهم ماهیت نهادهاست. ترتیبات نهادی متفاوت بر میزان متفاوت هزینه‌های مبادله دلالت دارند. هر اندازه هزینه مبادله در یک جامعه بیش‌تر و چشمگیرتر باشد، نشانه این است که انتخاب نهادهای مناسب برای سازماندهی و هماهنگی بهتر فعالیت اقتصادی، نقش بسیار مهمی دارد. همان‌گونه که تجربه نظام برنامه‌ریزی مرکزی در کشورهای کمونیستی نشان داد، چنین ساختار نهادی فقط با تحمل هزینه‌های مبادله بسیار بالا قادر به ادامه حیات بود. پس بقا و دوام چنین نظامی در دنیای رقابتی و پرسرعت کنونی بسیار دشوار است؛ زیرا مستلزم تحمیل هزینه مبادله سنگینی بر اقتصاد است. در این باره که نهادها تا چه حد عالمانه و عامدانه انتخاب شده‌اند یا در گذر زمان به



شیوه‌ای تحول و تکامل می‌یابند که هزینه‌های مبادله را به حداقل برسانند، بحث و جدل بسیار است. این احتمال وجود دارد که جریان تکامل ساختارهای نهادی با مقداری تصادفی بودن عجین شده باشد یا اینکه نهادها به دلایلی غیر از میزان هزینه مبادله‌شان تکامل یافته باشند.

نهادهای با عملکرد خوب از قبیل رعایت اصل حاکمیت قانون، فساد بسیار اندک، بی‌ثباتی سیاسی ناچیز و تعهد معتبر حکومت به انجام وعده‌هایش، برون‌دادهای کاملاً مطلوبی دارند که هزینه‌های مبادله را به حداقل می‌رسانند.<sup>۱</sup> اما هنگام استدلال آوردن درباره اهمیت نهادها، معمول این است که بر حمایت از حقوق مالکیت و ضمانت اجرای قراردادهای انگشت نهاده شود. نظام بازار برای فعالیت کارآمد به حمایت از حقوق مالکیت و اجرای قراردادهای نیاز دارد. پس لازم است ببینیم کدام ویژگی‌های نهادها باعث این آثار مفید می‌شود و کدام یک نمی‌شود.

اما دانستن اینها هم به تنهایی کافی نیست؛ زیرا آن چیزی که کینز خوی حیوانی<sup>۲</sup> (سرزندگی و پویایی سرمایه‌گذار) نامید، یعنی اطمینان به آینده و نگاه خوش‌بینانه به احتمال موفقیت کسب‌وکار هم مطرح است. هنگامی که مالکیت ناامن می‌شود، روحیه حیوانی کینزی را سرکوب می‌کند. ناامنی مالکیت از دو منبع ناشی می‌شود: بی‌نظمی خصوصی (جنگ داخلی، جرم و جنایت، خشونت فرقه‌ای، تصرف و تملک زمین‌های حاشیه شهر، شبه‌جرم، انحصار و یا دزدی ساده) یا از جانب دولت و با کمک خود دولت (توقیف و مصادره ثروت خصوصی به شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم با سلب مالکیت صاحب سرمایه، گرفتن رشوه، استفاده از نظام مالیاتی، مالیات تورمی و...). پس بدون وجود نهادهای مناسب که از مالکیت حمایت کنند و قراردادهای را تنفیذ کنند و حاکمان را تحت نظارت و تعادل<sup>۳</sup> درآورند، توسعه اقتصادی مدرن ناممکن است؛ عمدتاً به این دلیل که نظام بازار در چنین بستر نامنی امکان فعالیت کارآمد ندارد؛ هزینه‌های مبادله مربوط بسیار بالا بوده و انگیزه‌های تصمیم‌گیری مناسب محو می‌شود.

## ۵-۲. نقش اندیشه‌های هرناندو دسوتو در اهمیت بخشی به نهاد حقوق مالکیت

هرناندو دسوتو اقتصاددان پرویی، از جمله افراد شاخصی است که سال‌های زیادی درباره اهمیت نهادها استدلال می‌آورد. او و تیم پژوهشی‌اش با زحمت زیاد در حلبی‌آبادهای لیما، پورتو پرنس، قاهره و مانیل ثابت کردند که اگرچه فقرای جهان درآمد اندکی دارند، اما آنها میزان املاک و اموال شگفت‌آور زیادی دارند. مشکل این است که این اموال از حیث قانونی به عنوان دارایی آنها به رسمیت شناخته نمی‌شود. گویی همه آنها در محیط و اقتصاد «خارج از قانون»<sup>۴</sup> نگهداری می‌شود؛ نه به این علت که فقرا می‌خواهند

1. Castanheira, M. and Esfahani, H.S., (2003) 'The Political Economy of Growth: Lessons Learned and Challenges Ahead', in McMahon, G. and Squire, L. eds., Explaining Growth: a Global Research Project, IEA Conference Volume 137, Palgrave Macmillan, Houndsmill, Basingstoke, PP. 159-212.

2. Animal Spirit

3. Checks and Balances

4. "Extra-legal" Economy

از مالیات فرار کنند، زیرا آن‌گونه که دسوتو روشن می‌کند، اقتصاد سیاه هم مالیات‌ستانی خاص خود را دارد (اخاذی و پول زور، پنهان شدن از دست مأمور مالیاتی و...) که قانونی بودن را به شکل مثبتی جذاب می‌سازد. نکته اینجاست که گرفتن سند قانونی برای یک خانه یا کارگاه تقریباً ناممکن است.

دسوتو و تیم وی در یک آزمایش میدانی تلاش کردند کارگاه کوچک خیاطی در حومه شهر لیما با رعایت تمام اصول قانونی ایجاد کنند. انجام چنین کاری برای آنها به مدت ۲۹۰ روز سرگیجه‌آور زمان برد و وقتی آنها سعی کردند مجوز قانونی ساخت خانه روی زمین متعلق به دولت را بگیرند، حتی مدت طولانی‌تری زمان برد: ۶ سال و ۱۱ ماه، که طی این مدت آنها مجبور شدند با ۵۲ اداره مختلف دولتی سر و کله بزنند.<sup>۱</sup> دسوتو استدلال آورد که وجود نهادهای ناکارا مانند اینها باعث می‌شود تا فقرا مجبور شوند کار و زندگی در بیرون از پناه قانون را انتخاب کنند. نباید تصور کرد که اقتصاد بیرون از قانون یک بخش حاشیه‌ای و با اندازه ناچیز است. یکی از یافته‌های به یادماندنی کتاب «راز سرمایه» دسوتو این است که ارزش کل املاک و مستغلاتی که فقرای کشورهای در حال توسعه در اختیار دارند (اما از حیث قانونی مالک آن نیستند) به رقم عظیم ۹/۳ تریلیون دلار بالغ می‌شود. با این حال در غیاب اسناد قانونی و نظام کارآمد حقوق مالکیت، این همه دارایی چیزی بیش از یک «سرمایه مرده» نیست: مانند آبی که در دریاچه بالای ارتفاعات کوهستانی وجود دارد - حجمی دست‌نخورده و عاطل و باطل از یک انرژی بالقوه - که در صورت احداث سد می‌توانست انرژی الکتریسته تولید کند. فقرا از این سرمایه‌های مرده در اختیار خود نمی‌توانند برای خلق ثروت استفاده کنند. فقط با وجود یک نظام قضایی کارآمد که حقوق مالکیت را تعریف و پاسداری کند، یک خانه را می‌توان به وثیقه تبدیل کرد؛ خانه‌ای که ارزش آن در بازار آزاد تعیین شود و به آسانی قابل خرید و فروش باشد.<sup>۲</sup>

از هنگام انتشار کتاب «راز سرمایه»، انقلاب‌ها در کشورهایی مانند تونس و مصر شواهدی قاطع در حمایت از رویکرد دسوتو ارائه داده است. او «بهار عربی» را عمدتاً به عنوان انقلابی از سوی کارآفرینان امیدوار، اما سرگشته، علیه رژیم‌های فاسد و رانت‌جو می‌بیند که تلاش‌های آنها برای انباشت سرمایه را غارت می‌کنند. مثال اصلی داستان جوان ۲۶ ساله به نام طارق محمد بوعزیزی است که در جلوی ساختمان فرمانداری شهر سیدی بوزیدی در دسامبر ۲۰۱۰ خودسوزی کرد. بوعزیزی خودش را دقیقاً یک ساعت پس از آن کشت که دو مأمور شهرداری دو جعبه گلابی، یک جعبه موز، سه جعبه سیب و یک ترازوی برقی به قیمت ۱۸۰ دلار را از وی گرفتند. ترازو تنها سرمایه وی بود. منزل والدینش سند مالکیت رسمی نداشت تا بتواند از آن به عنوان وثیقه برای گسترش کاسبی خود استفاده کند. حیات اقتصادی وی به «پول زوری» وابسته بود که به مأموران دولت می‌پرداخت تا اجازه دهند بساط میوه خود را در دو متر مربع فضای عمومی

۱. دسوتو، هرزانو، راه دیگر، ترجمه جعفر خیرخواهان، نشر نی، ۱۳۸۹.

۲. دسوتو، هرزانو، راز سرمایه: چرا سرمایه‌داری در غرب موفق می‌شود و در جاهای دیگر شکست می‌خورد؟، ترجمه فریدون تفضلی، نشر نی، ۱۳۸۵.



پهن کند. اقدام خودسرانه مصادره اموال محمد بوعیزی، به قیمت معیشت و زندگی وی تمام شد، اما خودسوزی به یک انقلاب دامن زد؛ اگرچه نتیجه این انقلاب و میزان شباهت آن با انقلاب باشکوه انگلستان در ۱۶۸۸ را باید منتظر ماند و دید. نتیجه دادن و موفقیت این انقلاب‌ها بستگی به این دارد که چقدر ترتیبات قانون اساسی جدید و قرارومدارهایی که در کشورهایی مانند تونس و مصر گذاشته می‌شود به گذار از حکومت نظم دسترسی محدود به حکومت نظم دسترسی باز کمک می‌کند و قدرت مطلقه و خودسرانه فرادستان رانتجو به سمت حاکمیت قانون برای همه نزدیک می‌شود.

اگر رویکرد دوستو درست باشد، پس می‌توان موفقیت دنیای غرب پس از قرن شانزدهم را بر اساس اصلاح نهادها و به ویژه حاکمیت قانون تبیین کرد. آنچه در بطن جنگ‌های انگلستان قرن هفدهم بر سر قدرت پارلمانی قرار داشت، قطعاً حمایت از اموال افراد در برابر مصادره خودسرانه نهاد سلطنت بود. تصویب «حقوق و آزادی‌های اتباع کشور» که از قانون حقوق ۱۶۸۰ شروع شد، پیامدهای روشنی داشت. برای مثال نگارش رشته قوانینی برای توسعه اقتصادی، حمایت از صنایع نوزاد نساجی، تشویق به حصارکشی زمین‌های اشتراکی، ترویج جاده‌ها و کانال‌های اصلی را باعث شد. حتی جنگ هم به فعالیت پیوسته سودآوری تبدیل شد؛ چون گروه‌های ویگ‌ها برنامه خود برای برتری در تجارت جهانی را شروع کردند. نتیجه امر روشن بود: نخست انقلاب شکوهمند، سپس پیشرفت کشاورزی، سپس گسترش قدرت امپراتوری و سپس وقوع انقلاب صنعتی. البته که برپایی نهادهای عمومی پشتیبان بازارها نیازمند هزینه‌های ثابت بالایی است. برای برپایی نظام حقوقی مناسب که بتواند خدمات کارآمد و معتبری به جامعه مدرن تحویل دهد به هزینه‌های سنگین قانونی، قضایی، اداری و هماهنگی نیاز است، اما به محض برپایی چنین نظامی، هزینه نهایی اجرای قراردادها و روابط مبادله‌ای اندک و ثابت خواهد بود. تا همین اواخر، اقتصاددانان فرض می‌کردند نهادهای اجرای قراردادها می‌توانند هر قراردادی را بدون هزینه، کمال، عینی و بی‌طرفانه به اجرا درآورند، اما امروزه به واقعیت ادعان می‌شود که نظام حقوقی به ندرت قراردادها را با ویژگی‌های پیش‌گفته به اجرا درآورد.

مشکل اصلی این است که چه کنیم حکومت از قدرت در اختیار خود سوءاستفاده نکند و بنابراین نیاز به مهار کردن آن است. به گفته گریف، اگر نهادهای عمومی برای اجرای قراردادها، اطلاعاتی درباره مکان و میزان ثروت خصوصی منتشر کنند، این خطر وجود دارد که حکومت یا زیرمجموعه‌های آن، وسوسه شوند بخشی یا همه آن ثروت را مصادره کنند یا به سرقت ببرند. بنابراین در جایی که حکومت‌ها مطابق قانون مهار نشده باشند، احتمال دارد نهادهای خصوصی اجرای قرارداد با وجود هزینه‌های بسیار بالایی که دارند، در مقایسه با نهادهای عمومی فاسد و ناکارآمد، مطمئن‌تر و کم‌ریسک‌تر باشند!<sup>۱</sup>

1. Greif, Avner (2005) "Commitment, Coercion and Markets: The Nature and Dynamics of Institutions Supporting Exchange," in C. Ménard and M. Shirley (eds.), *Handbook of New Institutional Economics*, PP. 727–86.

اما اگر می‌خواهیم اقتصاد پیشرفته و کاملاً ثروتمندی داشته باشیم، باید شرایط را برای انجام معاملات پیچیده و زمانبر فراهم کنید و در چنین وضعیتی اجرای قراردادهای توسط بخش خصوصی از کارایی لازم برخوردار نبوده و به نهاد عمومی و فراگیری به نام «قوه قضائیه سالم و بی‌طرف» نیاز است. تحقق این شرایط نیازمند مهار کردن حکومتی است که از قوه قهریه خویش چنان استفاده کند که به حقوق مالکیت خصوصی احترام گذارد. به نظر بسیاری از صاحب‌نظران، در علم اقتصاد، این حیاتی‌ترین و اساسی‌ترین کارکرد حاکمیت قانون است.<sup>۱</sup>

### ۳. ترازوی شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت

هنگامی که به بالای فهرست امتیازات دریافتی حمایت محکم از حقوق مالکیت می‌نگریم، کشورهای توسعه‌یافته را مشاهده می‌کنیم. در نقطه مقابل کشورهایی که حقوق مالکیت شکننده و متزلزل دارند، به‌سختی امکان توسعه بازارهای اقتصادی قوی و فعالیت‌های نوآورانه را پیدا می‌کنند. کشورهایی که در بالای فهرست حقوق مالکیت جای دارند، درآمد سرانه‌ای تا ۲۰ برابر کشورهای با رژیم‌های مالکیت ضعیف دارند. شاخص حقوق مالکیت در سال ۲۰۱۸ با دربرگیری ۱۲۵ کشور جهان که ۹۸ درصد تولید ناخالص داخلی جهان و ۹۳ درصد جمعیت جهان را در اختیار دارد، به دوازدهمین سال انتشار خود رسیده است.

**نماگرهای شاخص حقوق مالکیت:** پروژه سنجش شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت، حاصل همکاری مشترک ۱۱۲ اندیشکده و نهاد سیاست‌گذاری است که در کار تحقیق، توسعه سیاست‌گذاری، تحصیل و ترویج حقوق مالکیت در کشورهایشان فعال هستند. شاخص مزبور، همچنان که گفته شد، اهمیت وجود حقوق مالکیت مطمئن بر توسعه اقتصادی را به شکل تجربی نشان می‌دهد. این شاخص صرفاً یک نظام درجه‌بندی نیست، بلکه ابزاری است که وضعیت حقوق مالکیت در سطح جهان و اطلاعات درباره عوامل مختلف تقویت‌کننده این حقوق را در اختیار سیاست‌گذاران می‌گذارد. در این پروژه ابتدا مروری گسترده در ادبیات حقوق مالکیت صورت گرفت تا ویژگی‌های جامع حقوق مالکیت مفهوم‌سازی و عملیاتی شود. سرانجام با چند کارشناس و اهل فن در حوزه حقوق مالکیت مشورت شد تا مجموعه دسته‌های اصلی (نماگرها یا زیرشاخص‌ها) و اقلام تشکیل‌دهنده هر کدام که مؤلفه نامیده می‌شود نهایی شود.

شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت، توسعه را به شکل مفهومی چندبعدی تعریف می‌کند که ابعادی مانند حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، فناوری، و بوم‌زیستی را با نگاهی به بهزیستی نسل‌های حال و آینده دربرمی‌گیرد. این شاخص ارتباط چند جنبه متفاوت توسعه را از طریق مؤلفه‌های مختلف تجزیه و تحلیل می‌کند: برون‌دادهای اقتصادی، قابلیت‌های انسانی، سرمایه اجتماعی، پژوهش و نوآوری و عملکرد بوم‌شناسی.

1. Douglass C. North and Barry R. Weingast, (1989) "Constitutions and Commitment: The Evolution of Institutions Governing Public Choice in Seventeenth-century England," *Journal of Economic History* 49, No. 4, PP. 803-32.



سه نماگر اصلی شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت عبارتند از: محیط حقوقی و سیاسی،<sup>۱</sup> حقوق مالکیت فیزیکی<sup>۲</sup> و حقوق مالکیت فکری.<sup>۳</sup> این سه نماگر که مجموعاً شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت را تشکیل می‌دهند، هر کدام به چندین مؤلفه (مجموعاً ۱۰ مؤلفه) تقسیم می‌شوند. محیط حقوقی و سیاسی دارای چهار مؤلفه به نام‌های حاکمیت قانون، استقلال قضایی، کنترل فساد و ثبات سیاسی است. حقوق مالکیت فیزیکی سه مؤلفه با عناوین حمایت از حقوق مالکیت فیزیکی، آسانی دریافت وام و ثبت مالکیت دارد. آخرین نماگر که حقوق مالکیت فکری است نیز از سه مؤلفه حمایت از حقوق مالکیت فکری، حمایت از حق نشر و حمایت از حق اختراع تشکیل می‌شود.

شکل ۳. ساختار شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت



نماگر حقوقی و سیاسی، بینشی درباره قدرتمندی نهادهای حکمرانی یک کشور و احترام به «قواعد بازی» در بین شهروندان ارائه می‌دهد. این نماگر، تأثیری جدی در توسعه و حمایت از حقوق مالکیت فیزیکی و فکری دارد. دو نماگر دیگر شاخص، حقوق مالکیت فیزیکی و فکری، دو شکل از حقوق مالکیت را بازتاب می‌دهند که هر دو برای توسعه اقتصادی یک کشور نقش حیاتی دارند. اقلام شامل شده در این دو دسته، نتایج قانونی و عملی برای کشورهای بررسی شده را نشان می‌دهند.

1. Legal and Political Environment (LP)
2. Physical Property Rights (PPR)
3. Intellectual Property Rights (IPR)

### الف) نماگر اول: محیط حقوقی و سیاسی

نماگر محیط حقوقی و سیاسی به معنای توانایی یک ملت در ضمانت اجرایی دار کردن نظام حقوق مالکیت مطابق قانون است و از چهار مؤلفه تشکیل می‌شود: استقلال نظام قضایی، قدرتمندی حاکمیت قانون، کنترل فساد و ثبات نظام سیاسی.

**استقلال قضایی:** این مؤلفه به بررسی مصونیت و آزادی عمل قوه قضائیه از نفوذ و اعمال فشار گروه‌های سیاسی، تجاری و فردی می‌پردازد. استقلال قوه قضائیه، پایه و اساس حمایت بی‌عیب و نقص و پشتیبانی حاکمیت از نظام قضایی در رابطه با حقوق مالکیت است.

منبع داده‌های منتخب از «شاخص رقابت‌پذیری جهانی» گرفته شده است که مجمع جهانی اقتصاد منتشر می‌کند. مقیاس داده‌های اصلی از ۱ تا ۷ است (۷ بهترین امتیاز دریافتی). پرسش و پاسخ مرتبط از پیمایش نظرات مدیران به این شرح است: نظام قضایی در کشور شما چقدر در برابر نفوذ دولت، اشخاص یا شرکت‌ها مصونیت دارد و مستقل است؟ (۱. اصلاً استقلال ندارد ۷. کاملاً مستقل است).

**حاکمیت قانون:** این مؤلفه میزان اطمینان کارگزاران اقتصادی به قوانین جامعه و نیز گردن نهادن به آنها را اندازه‌گیری می‌کند؛ به ویژه کیفیت اجرای قراردادها، حقوق مالکیت، پلیس و دادگاه‌ها، همچنین احتمال وقوع جرم و جنایت و خشونت را در برمی‌گیرد. این مؤلفه چندین ویژگی را پوشش می‌دهد: انصاف، صداقت، ضمانت اجرا، سرعت، هزینه متناسب دادرسی، حمایت از حقوق مالکیت خصوصی و پاسخگویی قوای قضائیه و مجریه. این مؤلفه تکمیل‌کننده مؤلفه استقلال قضایی است. داده‌های منتخب برای این مؤلفه از منبع نماگرهای «حکمرانی جهانی» بانک جهانی به دست می‌آید. مقیاس داده‌های اولیه از (۲/۵- تا ۲/۵) است که ۲/۵ به معنای بهترین امتیاز است.

**ثبات سیاسی:** میزان ثبات سیاسی، بر انگیزه به دست آوردن یا گسترش دادن اموال و مدیریت دارایی‌ها تأثیر می‌گذارد. هر اندازه احتمال بی‌ثباتی دولت بالاتر باشد، احتمال کم‌تری می‌رود که مردم اموالی به دست آورند و اعتماد در اعتبار حقوق متصل به دارایی‌ها را گسترش دهند. داده‌های منتخب برای این مؤلفه از منبع نماگرهای «حکمرانی جهانی» بانک جهانی به دست می‌آید. مقیاس داده‌های اولیه از (۲/۵- تا ۲/۵) است که ۲/۵ به معنای بهترین امتیاز است.

**کنترل فساد:** این مؤلفه چندین متغیر را ترکیب می‌کند و دامنه سوءاستفاده از قدرت عمومی برای منافع خصوصی را اندازه‌گیری می‌کند. این شامل انواع فساد خرده‌پا و دانه‌درشت‌ها، همچنین «تسخیر»<sup>۱</sup> دولت از سوی فرادستان و گروه‌های خصوصی است. همانند دیگر مؤلفه‌ها در نماگر محیط حقوقی و سیاسی، فساد بر اطمینان مردم به وجود اجرا و تنفیذ و اعمال صحیح حقوق مالکیت تأثیر می‌گذارد. فساد درجه غیررسمی بودن در اقتصاد را بازتاب می‌دهد که یک عامل مزاحم برای گسترش احترام به

1. Capture



حقوق مالکیت قانونی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد کنترل فساد از طریق گسترش دموکراسی، به حمایت از حقوق مالکیت و برابری درآمدها کمک می‌کند که چرخه مطلوبی به وجود می‌آورد. داده‌های منتخب برای این مؤلفه از منبع نماگرهای «حکمرانی جهانی» بانک جهانی به دست می‌آید. مقیاس داده‌های اولیه از (۲/۵- تا ۲/۵) است که ۲/۵ به معنای بهترین امتیاز است.

### ب) نماگر دوم: حقوق مالکیت فیزیکی

هر رژیم حقوق مالکیت قوی باید اطمینان مردم را نسبت به کارآمدی این رژیم حقوقی در حمایت از حقوق مالکیت شخصی جلب کند. همچنین امکان انجام معاملات یکنواخت و یکسان مرتبط با ثبت مالکیت را فراهم کرده و اجازه دسترسی به اعتبار مورد نیاز برای تبدیل دارایی به سرمایه را فراهم می‌سازد. به این دلایل از مؤلفه‌های زیر برای سنجش حمایت از حقوق مالکیت فیزیکی استفاده می‌شوند. **حمایت از حقوق مالکیت فیزیکی:** حمایت از حقوق مالکیت فیزیکی به قدرتمندی نظام حقوق مالکیت یک کشور بر اساس نظرات کارشناسی از کیفیت حمایت قضایی از اموال خصوصی، شامل دارایی‌های مالی، بستگی دارد. علاوه بر این، اظهارنظر کارشناسی درباره شفافیت و روشنی تعریف قانونی از حقوق مالکیت را نیز دربرمی‌گیرد. داده‌های مورد استفاده برای سنجش این مؤلفه از «شاخص رقابت‌پذیری جهانی» مجمع جهانی اقتصاد گرفته شده است. مقیاس داده‌های اصلی از ۱ تا ۷ است که ۷ بهترین امتیاز دریافتی است. پرسش و پاسخ مرتبط از پیمایش نظرات مدیران به این شرح است: در کشور شما، تا چه حد حقوق مالکیت، شامل دارایی‌های مالی مورد حمایت هستند؟ (۱. اصلاً حمایت نمی‌شوند ۷. تا حد زیادی حمایت می‌شوند).

**ثبت مالکیت:** این مؤلفه تعداد روزها و مراحل ضروری برای ثبت یک دارایی را مطابق با نظام دولت رسمی می‌سنجد. در این مؤلفه، توالی کامل مراحل لازم برای انتقال سند دارایی از فروشنده به خریدار، هنگامی که یک زمین یا ساختمان تجاری خریداری می‌شود، ثبت می‌شود. این اطلاعات بسیار حیاتی هستند؛ زیرا هر اندازه ثبت دارایی مشکل‌تر باشد، احتمال بیش‌تری وجود دارد که دارایی‌ها و اموال وارد بخش غیررسمی شوند و بنابراین توسعه درک و پشتیبانی گسترده عمومی از یک نظام حقوق مالکیت قانونی و سالم و منطقی را محدود می‌کند. علاوه بر این، موانع به ثبت رساندن، جلوی حرکت دارایی‌ها از موارد کاربرد کم‌ارزش به سمت کاربری‌های پرارزش‌تر را می‌گیرد. مؤلفه ثبت مالکیت بیانگر یکی از استدلال‌های اقتصادی اصلی است که دسوتو مطرح کرد: «آنچه فقرا فاقدش هستند دسترسی آسان به سازوکارهای حقوق مالکیت است که پتانسیل اقتصادی دارایی‌هایشان را به طور قانونی به فعلیت درآورد به طوری که از آنها برای تولید، تضمین یا تأمین ارزش بیش‌تر در بازارهای گسترده استفاده کنند»<sup>۱</sup> این مؤلفه چنین

۱. دسوتو، هرناندو، راز سرمایه: چرا سرمایه‌داری در غرب موفق می‌شود و در جاهای دیگر شکست می‌خورد؟، ترجمه فریدون تفضلی، نشر نی، ۱۳۸۵.

محاسبه می‌شود: ثبت مالکیت =  $0/7$  ضربدر تعداد روزها +  $0/3$  ضربدر تعداد مراحل. منبع داده‌های منتخب برای سنجش این مؤلفه گزارش «انجام کسب‌وکار» («شاخص سهولت انجام کسب‌وکار») بانک جهانی هستند. مقیاس داده‌های اولیه از یک تا بی‌نهایت است که یک بهترین امتیاز است.

**آسانی دسترسی به وام:** از دسترسی به وام بانکی به عنوان متغیر جانشین برای سطح توسعه نهادهای مالی در یک کشور استفاده می‌شود. نهادهای مالی نقشی اساسی در یک نظام حقوق مالکیت قوی ایفا می‌کنند و دارایی‌های اقتصادی را وارد اقتصاد رسمی می‌کنند. یک مسیر مهم در تلاش برای محو فقر، تسهیلات اعتباری است. حقوق مالکیت نه تنها اثر کاهش نابرابری‌ها را از طریق تعمیق مالی تقویت می‌کند، بلکه در غیاب آن، مانع جدی برای فقر است. داده‌های منتخب برای این مؤلفه از «شاخص رقابت‌پذیری جهانی» است که مجمع جهانی اقتصاد منتشر می‌کند. مقیاس داده‌های اصلی از ۱ تا ۷ است که ۷ بهترین امتیاز دریافتی است. پرسش و پاسخ مرتبط از پیمایش نظرات مدیران به این شرح است: در کشور شما، دریافت یک وام بانکی برای فعالان اقتصادی چقدر آسان است؟ (۱. به شدت دشوار است، ۷. به شدت آسان است).

### ج) نماگر سوم: حقوق مالکیت فکری

نماگر حقوق مالکیت فکری (معنوی) حمایت از مالکیت فکری را ارزیابی می‌کند. علاوه بر یک سنجه بر اساس نظرات عمومی حمایت از مالکیت فکری، حمایت از دو شکل اصلی حقوق مالکیت فکری (اختراعات و حق انتشار و تکثیر) را از دو منظر قانونی و عملی ارزیابی می‌کند.

**حمایت از حقوق مالکیت فکری:** این نماگر میزان حمایت یک ملت از مالکیت فکری را نشان می‌دهد و بنابراین یک جنبه حیاتی از نماگر حقوق مالکیت فکری است. منبع داده‌های منتخب برای این مؤلفه از شاخص رقابت‌پذیری جهانی است که مجمع جهانی اقتصاد منتشر می‌کند. مقیاس داده‌های اصلی از ۱ تا ۷ است که ۷ بهترین امتیاز دریافتی است. پرسش و پاسخ مرتبط از پیمایش نظرات مدیران به این شرح است: در کشور شما، حقوق مالکیت فکری تا چه حد مورد حمایت است؟ (۱. اصلاً حمایت نمی‌شود ۷. تا حد زیادی حمایت می‌شود).

**حمایت از حق اختراع:** این مؤلفه بیانگر قدرت قوانین حق اختراع یک کشور با پنج معیار گسترده است: پوشش‌دهی، عضویت در پیمان‌های بین‌المللی، محدودیت‌ها بر حقوق اختراع، ضمانت اجرا و طول مدت حمایت. داده‌های مورد استفاده برای این مؤلفه از مؤسسه حمایت حق اختراع «جینارت-پارک» به دست می‌آید.

**سرقت علمی و حق انتشار و تکثیر:** میزان سرقت علمی در بخش مالکیت فکری، یک نماگر مهم کارآمدی ضمانت اجرای حقوق مالکیت فکری در یک کشور است. منبع داده‌های انتخابی برای این مؤلفه



از پیمایش نرم‌افزار جهانی «بی.اس.ای.»<sup>۱</sup> است. شکاف رعایت قانون به معنای برآورد حجم و ارزش نرم‌افزار غیرمجاز است که روی رایانه‌های شخصی نصب می‌شود و همچنین آشکار ساختن نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با مجوزدهی نرم‌افزار، مالکیت فکری و فناوری‌های نوظهور. مقیاس داده‌های اولیه از صفر تا ۱۰۰ درصد است که صفر بهترین امتیاز است.

#### ۴. ایران در ترازوی شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت

امتیاز ایران در شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت سال ۲۰۱۸، به میزان ۰/۲۲ افزایش یافت و به عدد ۴/۷۴ از ۱۰ رسید. بدین ترتیب، ایران در این شاخص در رتبه ۱۲ در بین ۱۵ کشور منطقه «منا» و در رتبه ۱۳ به علاوه ترکیه و پاکستان (شامل ۱۷ کشور) و ۹۱ در جهان (در بین ۱۲۵ کشور) قرار دارد. ایران بر اساس طبقه‌بندی صندوق بین‌المللی پول در گروه کشورهای خاورمیانه، شمال آفریقا و پاکستان و توسط بانک جهانی به عنوان کشور با درآمد متوسط به بالا قرار می‌گیرد. ایران در سال ۲۰۱۸ نسبت به سال ۲۰۱۳ توانست ۱۶ پله پیشرفت کند و از رتبه ۱۰۷ به رتبه ۹۱ برسد که ۸ پله از این بهبود را تنها طی یک سال گذشته میلادی تجربه کرد.

با وجود این، جایگاه ایران را نمی‌توان مطلوب دانست؛ زیرا همیشه در بین ۲۰ درصد پایینی ۱۲۵ کشور قرار داشته است. طی هشت سال گذشته (که اطلاعات آن موجود است) میانگین امتیاز ایران در مقیاس از صفر تا ۱۰، عدد ۴/۳۰ به دست می‌آید. امتیاز ایران در سال ۲۰۱۸ (۴/۷۴) شده است که از میانگین جهانی (۵/۷۴) به میزان یک امتیاز کم‌تر است.

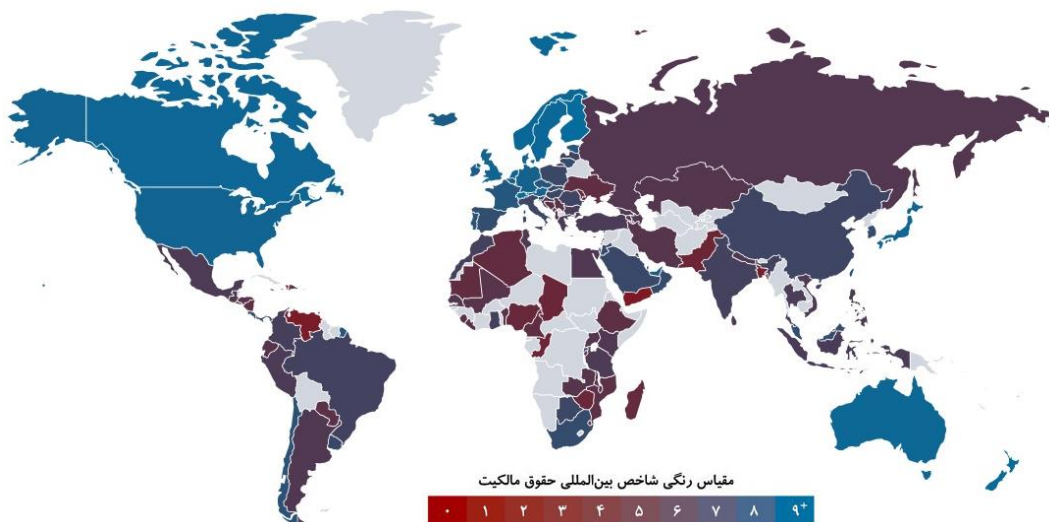
بر اساس نتایج شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت سال ۲۰۱۸، کشور فنلاند بعد از کسب موفقیت در زمینه بهبود دسترسی به وام و حمایت از ثبت اختراع، توانست رتبه اول را به خود اختصاص دهد و عنوان قوی‌ترین تضمین حقوق مالکیت را به دست آورد. این کشور با امتیاز ۸/۶۹۲ در بالای فهرست قرار می‌گیرد. دو کشور نیوزلند با امتیاز ۸/۶۳۲ و سوئیس با امتیاز ۸/۶۱۹ در جایگاه دوم و سوم قرار گرفتند. سایر کشورهایی که امتیاز ۸ یا بالاتر را به دست آوردند و به ترتیب در رتبه‌های چهارم تا پانزدهم جای گرفته‌اند عبارتند از: نروژ، سنگاپور، سوئد، استرالیا، هلند، لوکزامبورگ، کانادا، ژاپن، دانمارک، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و اتریش.

آلمان، هنگ کنگ، بلژیک، ایرلند، ایسلند، امارات متحده عربی، تایوان، فرانسه، استونی، قطر و اسرائیل (رژیم صهیونیستی) امتیازهایی بین ۷ تا ۸ را کسب کرده‌اند. برخی کشورهای در میانه با امتیازاتی بین ۶ تا ۷ و ۵ تا ۶ و در جایگاه‌های ۲۷ تا ۴۰ به ترتیب عبارتند از: جمهوری چک، پرتغال، شیلی، مالت، کاستاریکا، رومند، اسپانیا، مالزی، کره جنوبی، لیتوانی، آفریقای جنوبی، عمان، اسلواکی و موریس.

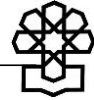
اما کشورهایی که حقوق مالکیت ضعیف داشته و در پایین جدول قرار گرفتند عبارتند از: هائیتی با امتیاز ۲/۷۳ در رتبه ۱۲۵ (یعنی بدترین کشور جهان)، پس از آن از پایین به بالا (از رتبه ۱۲۴ به ۱۱۶) یمن، ونزوئلا، بنگلادش، پاکستان، کنگو، چاد، بروندي، زیمبابوه و نیجریه که همگی امتیازهای بین ۳ تا ۴ کسب کردند.

خبر خوب اینکه در سراسر جهان، میانگین کلی امتیاز کشورهای موجود در شاخص طی ۴ سال گذشته مرتب افزایش یافته است و از ۵/۳۰ در سال ۲۰۱۵ به ۵/۴۵ در سال ۲۰۱۶ و ۵/۶۳ در سال ۲۰۱۷ و در نهایت به ۵/۷۴ در سال ۲۰۱۸ رسیده است. در مورد ایران نیز میزان امتیاز عددی این شاخص در سه سال گذشته مرتب افزایش یافته است؛ یعنی از ۳/۹۶ در سال ۲۰۱۵ به ۴/۲۴ در سال ۲۰۱۶ و ۴/۵۲ در سال ۲۰۱۷ و نهایتاً به ۴/۷۴ در سال ۲۰۱۸ افزایش یافته است.

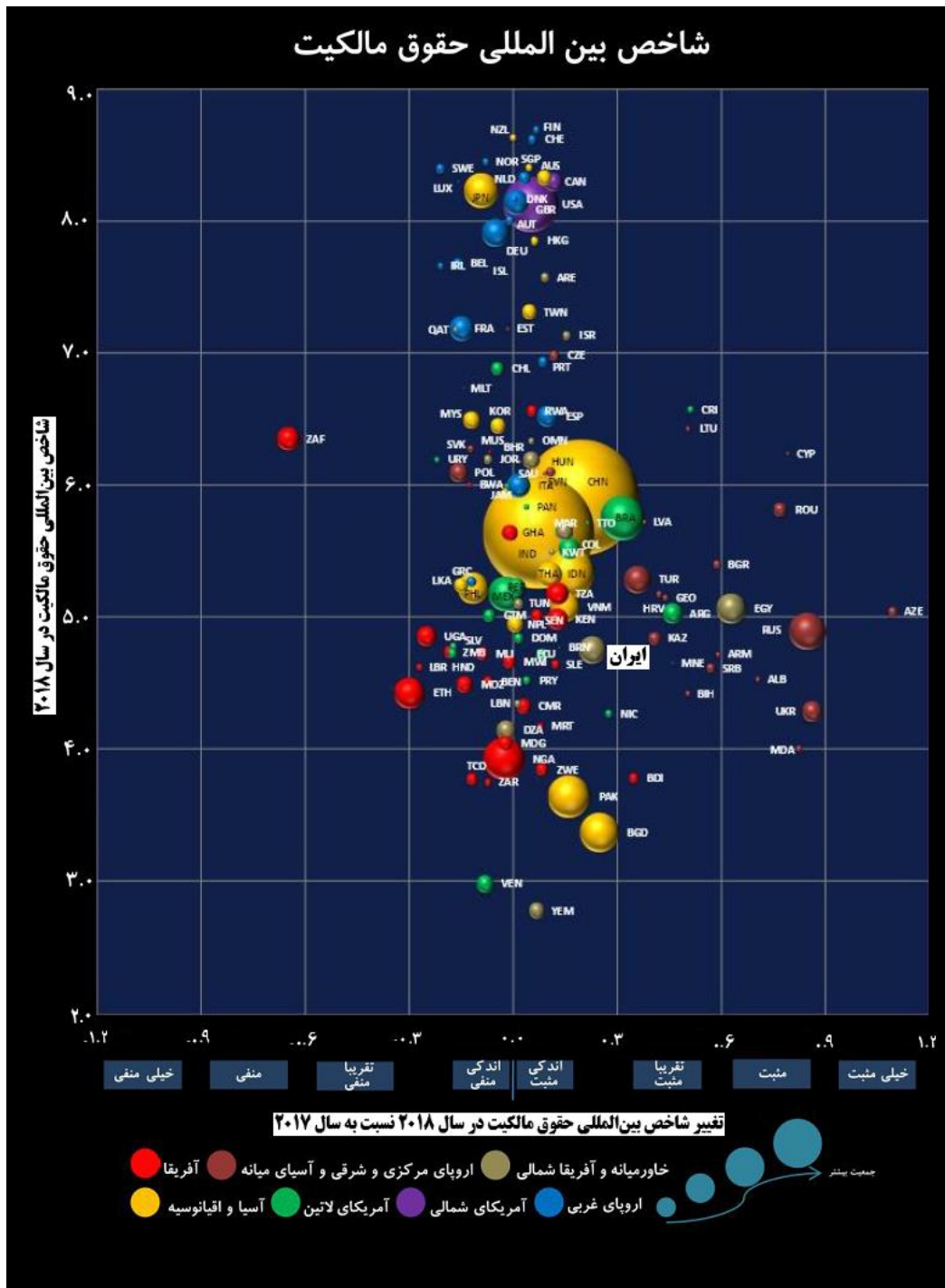
شکل ۴. نقشه جهانی شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت در سال ۲۰۱۸



**Source:** Levy Carciente, Sary (2018) International Property Rights Index 2018 Report, Property Rights Alliance.



شکل ۵. تغییر شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت در سال ۲۰۱۸ میلادی نسبت به سال ۲۰۱۷



Source: Levy Carciente, Sary (2018) International Property Rights Index 2018 Report, Property Rights Alliance.

اگر تغییرات نماگرها را در بازه چهارساله ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ نگاه کنیم به این نتایج می‌رسیم: میانگین نماگر محیط حقوقی و سیاسی در کل جهان از ۴/۹۹ در سال ۲۰۱۵ به ۵/۱۳ در سال ۲۰۱۶ و از ۵/۱۷ در سال ۲۰۱۷ به ۵،۲۱۶ در سال ۲۰۱۸ بهبود یافته است. بیش‌ترین میزان افزایش در این نماگر مربوط

به آرژانتین (۰/۷۰)، ویتنام و اندونزی (۰/۳۳)، پرو (۰/۳) و ترینیداد و توباگو (۰/۲۹) بود. کشورهای با بیش‌ترین کاهش نیز ترکیه (۰/۳۸-)، لهستان (۰/۳۴-)، فیلیپین (۰/۳۳-)، چاد و مقدونیه (۰/۳۲-) بودند. امتیاز ایران نیز در شاخص محیط حقوقی و سیاسی افزایش داشت و از ۳/۲۸ در ۲۰۱۵ به ۳/۵۸ در سال ۲۰۱۶ و ۳/۶۱ در ۲۰۱۷ و به ۳/۸۴ در سال ۲۰۱۸ رسیده است.

میانگین نماگر حقوق مالکیت فیزیکی در کل جهان نیز از ۵/۷۷ در سال ۲۰۱۵ به ۵/۸۷ در سال ۲۰۱۶ و از ۶/۲۲ در سال ۲۰۱۷ به ۶/۴۶ در سال ۲۰۱۸ در چهار سال اخیر رسید. بیش‌ترین میزان افزایش در نماگر حقوق مالکیت فیزیکی مربوط به کشورهای آذربایجان (۲/۴۴)، اوکراین (۲/۳۵)، مولداوی (۲/۲۸)، قبرس (۲/۲) و روسیه (۲/۱۲) بوده است؛ در حالی که آفریقای جنوبی (۱/۱۸-)، لیبی (۰/۴۸-)، سوئد (۰/۳۶-)، السالوادر (۰/۳۵-) و پرو (۰/۳۳-) بیش‌ترین کاهش را نشان دادند. امتیاز ایران با افزایش‌های تدریجی از ۴/۸۵ در سال ۲۰۱۵ به ۵/۱۵ در ۲۰۱۶ و ۵/۷۷ در سال ۲۰۱۷ و به ۵/۷۸ در سال ۲۰۱۸ رسید.

میانگین نماگر حقوق مالکیت فکری در کل جهان نیز از ۵،۱۴ در سال ۲۰۱۵ به ۵،۳۳ در سال ۲۰۱۶ و از ۵/۵۰ در سال ۲۰۱۷ به ۵/۵۴ در سال ۲۰۱۸ در چهار سال اخیر رسید. بیش‌ترین پیشرفت مربوط به کشورهای کاستاریکا (۱/۰۷)، برونزی (۰/۶۷)، برزیل و مصر (۰/۶۲) و کلمبیا (۰/۵۷) بود، در حالی که بیش‌ترین کاهش در اتیوپی (۰/۸۶-)، اوگاندا (۰/۶۱-)، آفریقای جنوبی (۰/۵۱-)، اروگوئه (۰/۵-) و یونان (۰/۳۹) رخ داد. ایران نیز با افزایش پیوسته در این نماگر از ۳/۷۷ در سال ۲۰۱۵ به ۳/۹۹ در ۲۰۱۶ و از ۴/۱۸ در سال ۲۰۱۷ به ۴/۶۱ در سال ۲۰۱۸ رسید. نتیجه اینکه کشورها برای اینکه رفاه اقتصادی خود را افزایش دهند، به سمت حمایت‌های بیش‌تر از انواع حقوق مالکیت حرکت می‌کنند، اما عملکرد ایران نسبت به میانگین جهانی و حتی همسایگان خود مناسب نیست؛ به ویژه در ارتباط با محیط حقوقی و سیاسی که رتبه ایران بسیار پایین‌تر از میانگین منطقه است. تنها در شاخص حقوق مالکیت فیزیکی و به ویژه مؤلفه ثبت مالکیت، وضع ایران بسیار بهتر شده است که جای تقدیر دارد. البته با گذشت زمان ایران توانسته است اندکی از جایگاه کشورهای پایینی در منطقه فاصله بگیرد و از رتبه ۱۶ به ۱۲ ارتقا یابد. ایران البته در میان کشورهای منطقه منا پس از مصر (۰/۶۲۹) که بیش‌ترین تغییر مثبت را در طول سال ۲۰۱۸ ثبت کرد، با ۰/۲۲۷ بیش‌ترین تغییر مثبت سالیانه را داشته است (شکل ۶ و جدول ۲).

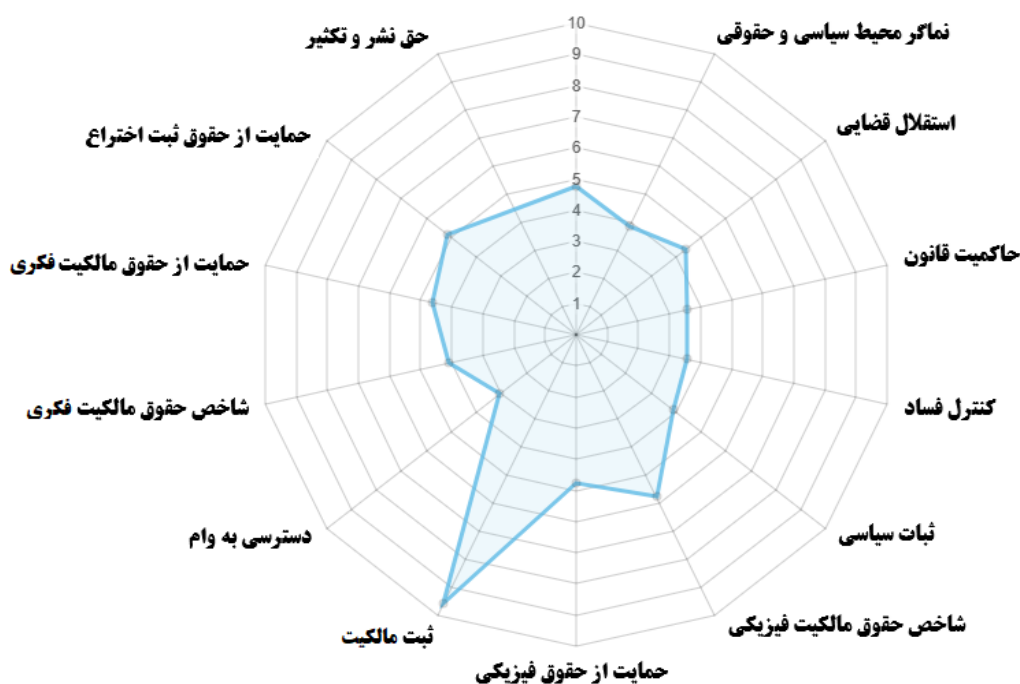
جدول ۱. وضعیت میانگین جهانی شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت و نماگرهای آن در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸

سال	شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت	نماگر محیط حقوقی و سیاسی	نماگر مالکیت فیزیکی	نماگر مالکیت فکری
۲۰۱۵	۵،۳۰۰	۴،۹۹۳	۵،۷۶۶	۵،۱۴۲
۲۰۱۶	۵،۴۴۵	۵،۱۳۰	۵،۸۷۴	۵،۳۳۲
۲۰۱۷	۵،۶۳۳	۵،۱۷۱	۶،۲۲۶	۵،۵۰۲
۲۰۱۸	۵،۷۴۱	۵،۲۱۶	۶،۴۶۴	۵،۵۴۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق.



شکل ۶. امتیاز ایران در شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت و نماگرها و مؤلفه‌های مؤثر آن در سال ۲۰۱۸  
شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت (IPRI)



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

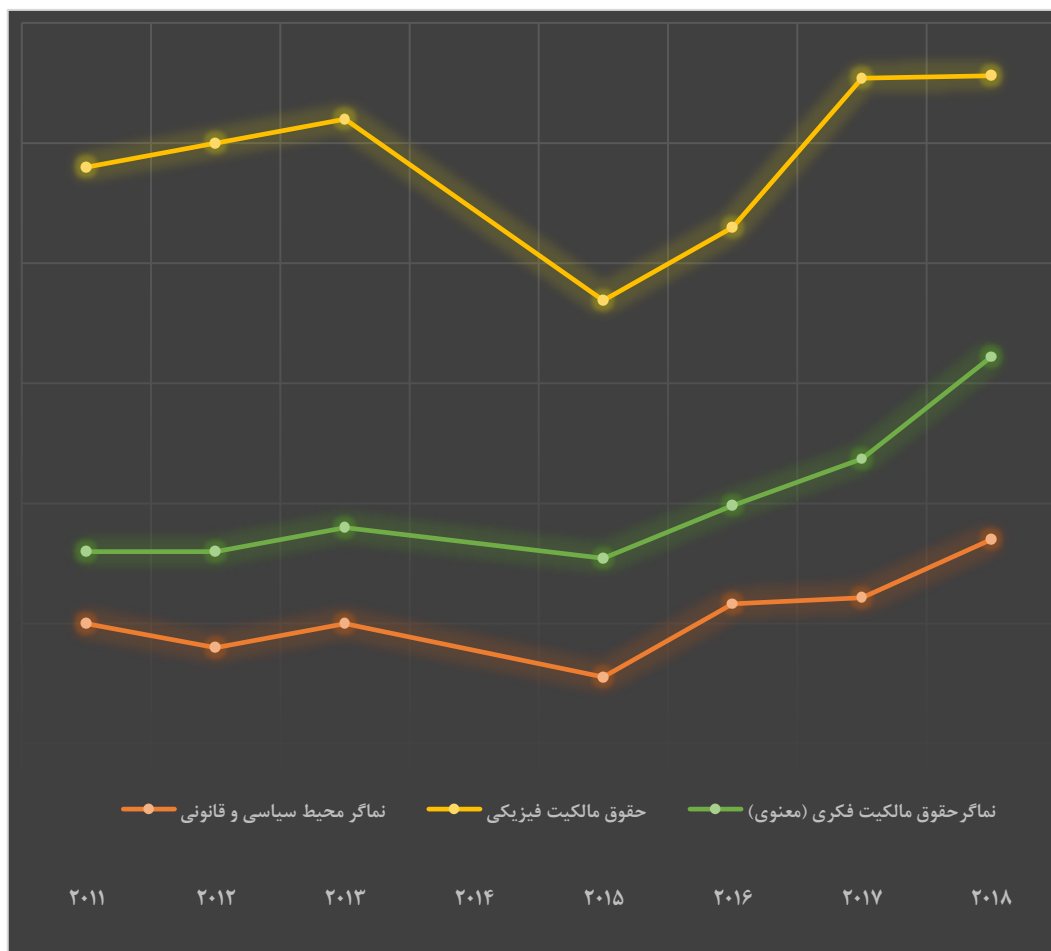
جدول ۲. امتیاز ایران در زیرشاخص‌های حقوق مالکیت در قیاس با کشورهای همسایه در سال ۲۰۱۸

شرح	ایران	عربستان	امارات	ترکیه	کویت	پاکستان
شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت (IPRI)	۴,۷۴۸	۶,۱۸۷	۷,۵۷۲	۵,۲۸۲	۵,۴۹۰	۳,۶۳۷
نماگر محیط سیاسی و حقوقی	۳,۸۴۸	۵,۶۸۰	۷,۱۰۰	۳,۵۵۶	۵,۱۷۱	۲,۹۰۶
استقلال قضایی	۴,۳۷۹	۶,۹۹۵	۷,۹۶۱	۳,۴۳۷	۶,۰۲۸	۴,۳۸۰
حاکمیت قانون	۳,۵۷۵	۵,۹۳۴	۶,۷۷۴	۴,۶۷۶	۵,۰۶۵	۳,۳۴۰
کنترل فساد	۳,۵۶۷	۵,۴۵۱	۷,۵۵۲	۴,۶۰۷	۴,۵۹۱	۳,۲۸۵
ثبات سیاسی	۳,۸۷۱	۴,۳۴۰	۶,۱۱۱	۱,۵۰۳	۴,۹۹۹	۰/۶۱۷
نماگر حقوق مالکیت فیزیکی	۵,۷۸۷	۷,۲۰۱	۸,۳۶۹	۶,۸۲۷	۶,۸۲۲	۴,۵۳۵
حمایت از حقوق فیزیکی	۴,۷۴۴	۶,۷۵۳	۸,۱۹۶	۵,۵۹۰	۶,۰۳۷	۴,۳۳۴
ثبت مالکیت	۹,۵۶۶	۹,۹۷۰	۹,۹۷۰	۹,۷۲۵	۸,۸۰۳	۴,۹۸۹
دسترسی به وام	۳,۰۵۱	۴,۸۸۰	۶,۹۴۱	۵,۱۶۶	۵,۶۲۶	۴,۲۸۱
نماگر حقوق مالکیت فکری	۴,۶۱۰	۵,۶۷۹	۷,۲۴۷	۵,۴۶۲	۴,۴۷۹	۳,۴۷۰
حمایت از حقوق مالکیت فکری	۴,۰۸۸	۶,۴۰۶	۷,۸۹۵	۴,۴۳۶	۴,۷۵۸	۴,۳۴۴
حمایت از حقوق ثبت اختراع	۵,۱۳۳	۵,۵۳۳	-	۷,۷۵۰	-	۴,۴۶۶
حق نشر و تکثیر	-	۵,۱۰۰	۶,۶۰۰	۴,۲۰۰	۴,۲۰۰	۱,۶۰۰
رتبه جهانی در شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت (IPRI)	۹۱	۴۴	۲۱	۶۶	۶۲	۱۲۱
رتبه منطقه‌ای در شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت (IPRI)	۱۲	۶	۱	۱۲	۹	۱۸

مأخذ: همان.

ایران در سال ۲۰۱۸ در نماگر محیط حقوقی و سیاسی امتیازهای ۴/۳۷ برای استقلال قضایی، ۳/۵۷ برای حاکمیت قانون، ۳/۸۷ برای ثبات سیاسی و ۳/۵۶ برای کنترل فساد دریافت کرد. در نماگر حقوق مالکیت فیزیکی امتیازهای ۴/۷۴ برای حمایت از حقوق فیزیکی، ۹/۵۶ برای ثبت مالکیت و ۳/۰۵ برای آسانی دسترسی به وام دریافت کرد. در نماگر حقوق مالکیت فکری نیز امتیازهای ۴/۰۹ در حمایت از مالکیت فکری، ۵/۱۳ برای حمایت از حق اختراع دریافت کرد و برای حمایت از حق نشر و تکثیر هیچ داده‌ای ندارد (جدول ۲). در این میان می‌توان تغییرات هر سه نماگر را طی سال‌های گذشته نیز مشاهده کرد (شکل ۷).

شکل ۷. روند تغییر امتیاز عددی نماگرهای شاخص حقوق مالکیت کشور ایران (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷)



مأخذ: همان.

\* بر مبنای اعلام شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت داده‌ای در سال ۲۰۱۴ برای ایران ثبت نشده است.



## جدول ۳. رتبه‌های جهانی و منطقه‌ای ایران در شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت

رتبه جهانی و امتیاز عددی ایران در شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت							
سال	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸
رتبه ایران	۱۰۴	۱۰۷	۱۰۷	۱۰۴	۹۹	۹۹	۹۱
امتیاز عددی	۴,۲۰۰	۴,۳۰۰	۴,۳۰۰	۳,۹۶۵	۴,۲۴۰	۴,۵۲۱	۴,۷۴۹
کل نمونه کشورهای جهان	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۱	۱۲۴	۱۲۷	۱۲۵

رتبه منطقه‌ای ایران در منا (به علاوه ترکیه و پاکستان) در شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت							
سال	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸
رتبه ایران	۱۶	۱۴	۱۲	۱۴	۱۳	۱۲	۱۲
تعداد نمونه کشورها	۱۷	۱۷	۱۵	۱۷	۱۶	۱۷	۱۷

مأخذ: همان.

\* بر مبنای اعلام شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت، داده‌ای در سال ۲۰۱۴ برای ایران ثبت نشده است.

## جدول ۴. جایگاه ایران در منطقه منا به علاوه ترکیه و پاکستان در ۲۰۱۸

رتبه منطقه‌ای	کشور	امتیاز	رتبه جهانی
۱	امارات متحده عربی	۷,۵۷۲	۲۱
۲	قطر	۷,۱۷۸	۲۵
۳	اسرائیل	۷,۱۳۰	۲۶
۴	عمان	۶,۳۳۱	۳۸
۵	اردن	۶,۱۹۲	۴۲
۶	عربستان سعودی	۶,۱۸۷	۴۴
۷	بحرین	۶,۱۷۴	۴۵
۸	مراکش	۵,۶۴۴	۵۸
۹	کویت	۵,۴۹۰	۶۲
-	ترکیه (اروپای شرقی و آسیای مرکزی)	۵,۲۸۲	۶۶
۱۰	تونس	۵,۰۹۷	۷۵
۱۱	مصر	۵,۰۶۲	۷۷
۱۲	ایران	۴,۷۴۸	۹۱
۱۳	لبنان	۴,۳۴۲	۱۰۸
۱۴	الجزایر	۴,۱۴۰	۱۱۳
-	پاکستان (آسیا و اقیانوسیه)	۳,۶۳۷	۱۲۱
۱۵	یمن	۲,۷۹۲	۱۲۴

مأخذ: همان.

جدول ۵. امتیاز کل شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت در ایران ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸

سال	آماره	امتیاز	جهانی	منطقه‌ای (۱۷ کشور)
۲۰۱۱	شاخص کلی IPRI	۴,۲۰۰	۱۰۷	۱۴
۲۰۱۱	نماگر محیط حقوقی و سیاسی	۳,۵۰۰	۱۰۰	۱۲
۲۰۱۱	نماگر مالکیت فیزیکی	۵,۴۰۰	۱۰۰	۱۳
۲۰۱۱	نماگر مالکیت فکری	۳,۸۰۰	۱۰۵	۱۳
۲۰۱۲	شاخص کلی IPRI	۴,۲۰۰	۱۱۰	۱۳
۲۰۱۲	نماگر محیط حقوقی و سیاسی	۳,۴۰۰	۱۰۳	۱۲
۲۰۱۲	نماگر مالکیت فیزیکی	۵,۵۰۰	۹۹	۱۳
۲۰۱۲	نماگر مالکیت فکری	۳,۸۰۰	۱۰۴	۱۲
۲۰۱۳	شاخص کلی IPRI	۴,۳۰۰	۱۰۷	۱۱
۲۰۱۳	نماگر محیط حقوقی و سیاسی	۳,۵۰۰	۱۰۵	۱۱
۲۰۱۳	نماگر مالکیت فیزیکی	۵,۶۰۰	۹۷	۱۲
۲۰۱۳	نماگر مالکیت فکری	۳,۹۰۰	۱۰۵	۱۱
۲۰۱۵	شاخص کلی IPRI	۳,۹۶۵	۱۰۴	۱۳
۲۰۱۵	نماگر محیط حقوقی و سیاسی	۳,۲۷۸	۱۰۴	۱۳
۲۰۱۵	نماگر مالکیت فیزیکی	۴,۸۴۵	۱۰۲	۱۳
۲۰۱۵	نماگر مالکیت فکری	۳,۷۷۲	۱۰۲	۱۲
۲۰۱۶	شاخص کلی IPRI	۴,۲۴۰	۹۹	۱۲
۲۰۱۶	نماگر محیط حقوقی و سیاسی	۳,۵۸۲	۱۰۰	۱۲
۲۰۱۶	نماگر مالکیت فیزیکی	۵,۱۴۹	۹۳	۱۳
۲۰۱۶	نماگر مالکیت فکری	۳,۹۹۱	۱۰۰	۱۲
۲۰۱۷	شاخص کلی IPRI	۴,۵۲۱	۹۹	۱۱
۲۰۱۷	نماگر محیط حقوقی و سیاسی	۳,۶۰۸	۱۰۲	۱۲
۲۰۱۷	نماگر مالکیت فیزیکی	۵,۷۷۰	۸۰	۱۲
۲۰۱۷	نماگر مالکیت فکری	۴,۱۸۶	۱۰۳	۱۲
۲۰۱۸	شاخص کلی IPRI	۴,۷۴۸	۹۱	۱۲
۲۰۱۸	نماگر محیط حقوقی و سیاسی	۳,۸۴۸	۹۲	۱۲
۲۰۱۸	نماگر مالکیت فیزیکی	۵,۷۸۷	۹۴	۱۲
۲۰۱۸	نماگر مالکیت فکری	۴,۶۱۰	۸۳	۱۱

مأخذ: همان.

\* بر مبنای اعلام شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت، داده‌ای در سال ۲۰۱۴ برای ایران ثبت نشده است.



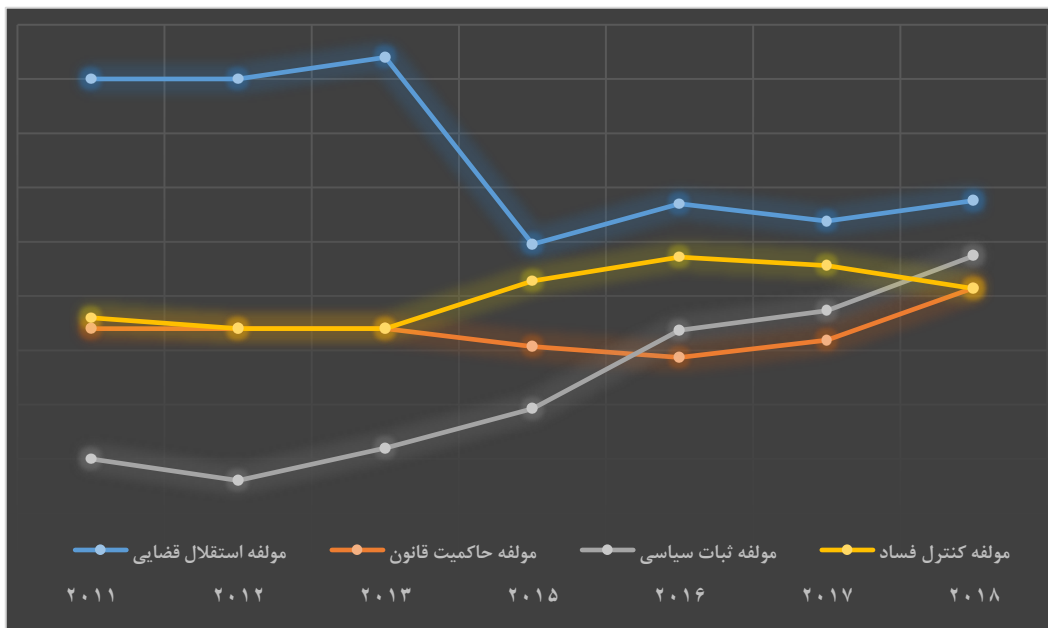
## جدول ۶. امتیاز نماگر محیط حقوقی و سیاسی در ایران ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸

سال	آماره	امتیاز	جهانی	منطقه‌ای
۲۰۱۱	نماگر کلی	۳,۵۰۰	۱۰۰	۱۲
۲۰۱۱	مؤلفه استقلال قضایی	۵,۵۰۰	۵۹	۱۱
۲۰۱۱	مؤلفه حاکمیت قانون	۳,۲۰۰	۱۰۸	۱۴
۲۰۱۱	مؤلفه ثبات سیاسی	۲,۰۰۰	۱۱۴	۱۳
۲۰۱۱	مؤلفه کنترل فساد	۳,۲۰۰	۱۰۴	۱۴
۲۰۱۲	نماگر کلی	۳,۴۰۰	۱۰۳	۱۲
۲۰۱۲	مؤلفه استقلال قضایی	۵,۵۰۰	۶۰	۱۱
۲۰۱۲	مؤلفه حاکمیت قانون	۳,۲۰۰	۱۰۹	۱۴
۲۰۱۲	مؤلفه ثبات سیاسی	۱,۸۰۰	۱۱۷	۱۴
۲۰۱۲	مؤلفه کنترل فساد	۳,۲۰۰	۱۰۷	۱۴
۲۰۱۳	نماگر کلی	۳,۵۰۰	۱۰۵	۱۱
۲۰۱۳	مؤلفه استقلال قضایی	۵,۷۰۰	۵۵	۱۰
۲۰۱۳	مؤلفه حاکمیت قانون	۳,۲۰۰	۱۰۹	۱۳
۲۰۱۳	مؤلفه ثبات سیاسی	۲,۱۰۰	۱۱۷	۱۲
۲۰۱۳	مؤلفه کنترل فساد	۳,۲۰۰	۱۱۰	۱۲
۲۰۱۵	نماگر کلی	۳,۲۷۸	۱۰۴	۱۳
۲۰۱۵	مؤلفه استقلال قضایی	۳,۹۷۸	۷۶	۱۳
۲۰۱۵	مؤلفه حاکمیت قانون	۳,۰۳۵	۱۱۱	۱۴
۲۰۱۵	مؤلفه ثبات سیاسی	۲,۴۶۲	۱۱۰	۱۱
۲۰۱۵	مؤلفه کنترل فساد	۳,۶۴۰	۹۴	۱۳
۲۰۱۶	نماگر کلی	۳,۵۸۲	۱۰۰	۱۲
۲۰۱۶	مؤلفه استقلال قضایی	۴,۳۴۹	۷۱	۱۱
۲۰۱۶	مؤلفه حاکمیت قانون	۲,۹۳۴	۱۱۸	۱۴
۲۰۱۶	مؤلفه ثبات سیاسی	۳,۱۸۵	۱۰۴	۸
۲۰۱۶	مؤلفه کنترل فساد	۳,۸۵۹	۸۴	۱۱
۲۰۱۷	نماگر کلی	۳,۶۰۸	۱۰۲	۱۲
۲۰۱۷	مؤلفه استقلال قضایی	۴,۱۹۱	۸۴	۱۲
۲۰۱۷	مؤلفه حاکمیت قانون	۳,۰۹۲	۱۱۶	۱۴
۲۰۱۷	مؤلفه ثبات سیاسی	۳,۳۶۶	۱۰۳	۹
۲۰۱۷	مؤلفه کنترل فساد	۳,۷۸۱	۹۱	۱۲
۲۰۱۸	نماگر کلی	۳,۸۴۸	۹۲	۱۲
۲۰۱۸	مؤلفه استقلال قضایی	۴,۳۷۹	۷۳	۱۲
۲۰۱۸	مؤلفه حاکمیت قانون	۳,۵۷۵	۱۰۲	۱۲
۲۰۱۸	مؤلفه ثبات سیاسی	۳,۸۷۱	۹۶	۸
۲۰۱۸	مؤلفه کنترل فساد	۳,۵۶۷	۹۵	۱۳

مأخذ: همان.

\* بر مبنای اعلام شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت، داده‌ای در سال ۲۰۱۴ برای ایران ثبت نشده است.

شکل ۸. روند تغییر امتیاز عددی نماگر محیط حقوقی و سیاسی در ایران (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸)



مأخذ: همان.

\* بر مبنای اعلام شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت داده‌ای، در سال ۲۰۱۴ برای ایران ثبت نشده است.

جدول ۷. امتیاز حقوق مالکیت فیزیکی در ایران ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸

سال	آماره	امتیاز	جهانی	منطقه‌ای
۲۰۱۱	نماگر کلی	۵,۴۰۰	۱۰۰	۱۳
۲۰۱۱	حمایت از مالکیت فیزیکی	۶,۱۰۰	۶۶	۱۳
۲۰۱۱	ثبت مالکیت	۷,۷۰۰	۸۹	۹
۲۰۱۱	دسترسی به وام	۲,۳۰۰	۱۲۱	۱۴
۲۰۱۲	نماگر کلی	۵,۵۰۰	۹۹	۱۳
۲۰۱۲	حمایت از مالکیت فیزیکی	۶,۳۰۰	۵۴	۱۱
۲۰۱۲	ثبت مالکیت	۷,۸۰۰	۹۴	۱۱
۲۰۱۲	دسترسی به وام	۲,۴۰۰	۱۲۰	۱۴
۲۰۱۳	نماگر کلی	۵,۶۰۰	۹۷	۱۲
۲۰۱۳	حمایت از مالکیت فیزیکی	۶,۶۰۰	۵۰	۹
۲۰۱۳	ثبت مالکیت	۷,۸۰۰	۹۶	۹
۲۰۱۳	دسترسی به وام	۲,۴۰۰	۱۲۱	۱۳
۲۰۱۵	نماگر کلی	۴,۸۴۵	۱۰۲	۱۳
۲۰۱۵	حمایت از مالکیت فیزیکی	۴,۷۶۱	۷۹	۱۱
۲۰۱۵	ثبت مالکیت	۸,۸۰۳	۷۸	۹
۲۰۱۵	دسترسی به وام	۰/۹۶۹	۱۲۱	۱۵
۲۰۱۶	نماگر کلی	۵,۱۴۹	۹۳	۱۳
۲۰۱۶	حمایت از مالکیت فیزیکی	۴,۹۱۲	۸۳	۱۲

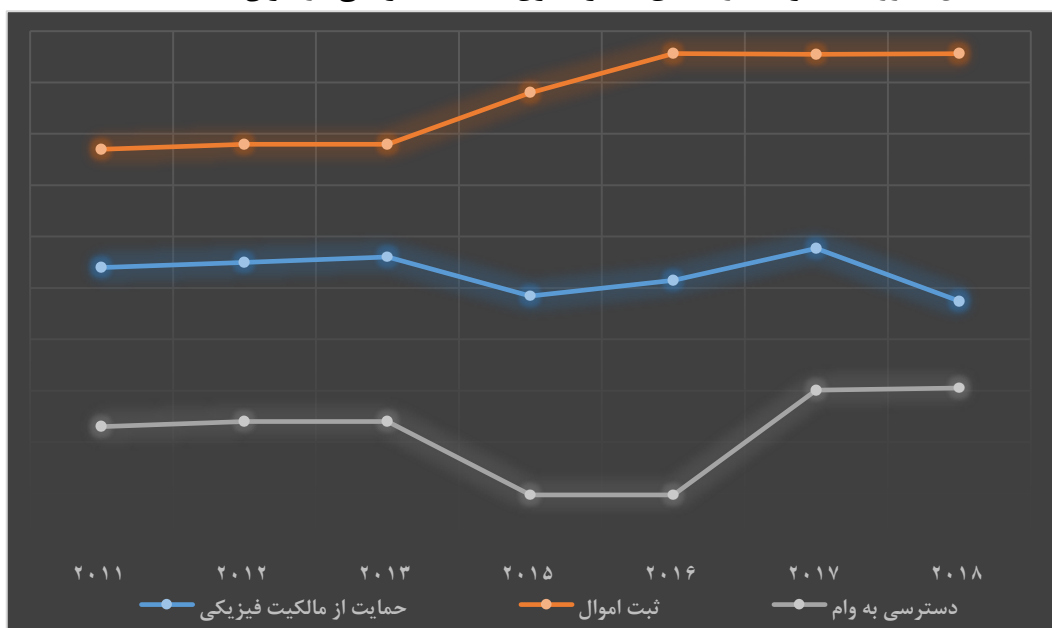


سال	آماره	امتیاز	جهانی	منطقه‌ای
۲۰۱۶	ثبت مالکیت	۹,۵۶۴	۲۸	۳
۲۰۱۶	دسترسی به وام	۰/۹۶۹	۱۲۴	۱۴
۲۰۱۷	نماگر کلی	۵,۷۷۰	۸۰	۱۲
۲۰۱۷	حمایت از مالکیت فیزیکی	۴,۷۵۷	۹۷	۱۳
۲۰۱۷	ثبت مالکیت	۹,۵۴۶	۲۰	۳
۲۰۱۷	دسترسی به وام	۳,۰۰۸	۱۱۴	۱۳
۲۰۱۸	نماگر کلی	۵,۷۸۷	۹۴	۱۲
۲۰۱۸	حمایت از مالکیت فیزیکی	۴,۷۴۴	۹۲	۱۳
۲۰۱۸	ثبت مالکیت	۹,۵۶۶	۳۰	۳
۲۰۱۸	دسترسی به وام	۳,۰۵۱	۱۱۴	۱۴

مأخذ: همان.

\* بر مبنای اعلام شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت، داده‌ای در سال ۲۰۱۴ برای ایران ثبت نشده است.

شکل ۹. روند تغییر امتیاز عددی نماگر حقوق مالکیت فیزیکی در ایران (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸)



مأخذ: همان.

\* بر مبنای اعلام شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت، داده‌ای در سال ۲۰۱۴ برای ایران ثبت نشده است.

جدول ۸. امتیاز حقوق مالکیت فکری ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸

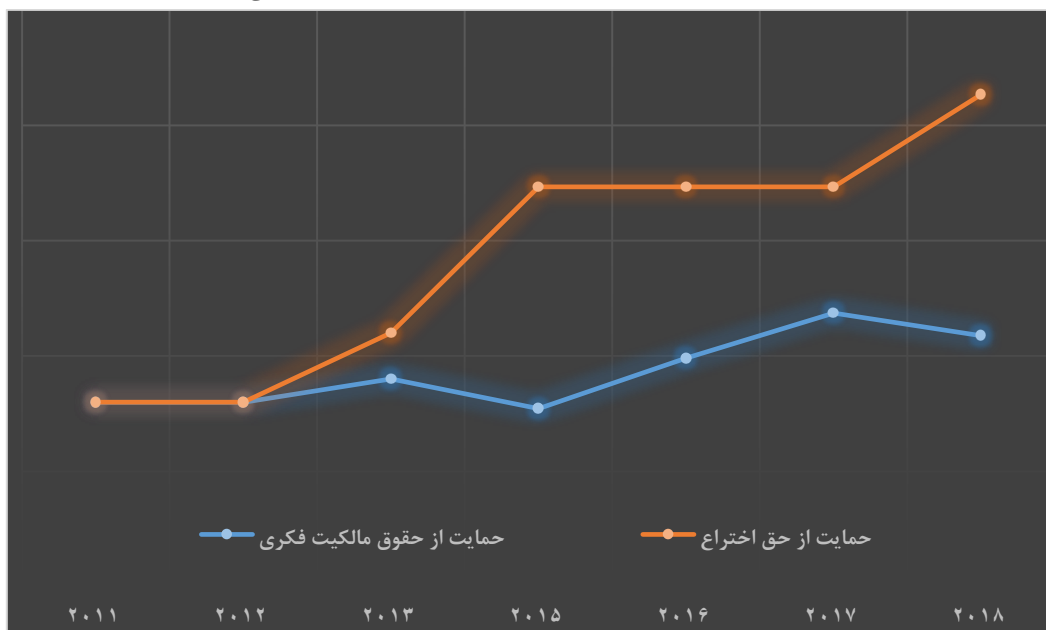
سال	آماره	امتیاز	جهانی	منطقه‌ای
۲۰۱۱	نماگر کلی	۳,۸۰۰	۱۰۵	۱۳
۲۰۱۱	حمایت از حقوق مالکیت فکری	۳,۷۰۰	۱۰۹	۱۴
۲۰۱۱	حمایت از حق اختراع	۳,۸۰۰	۱۰۰	۸
۲۰۱۱	حمایت از حق نشر و تکثیر	-	-	-
۲۰۱۲	نماگر کلی	۳,۸۰۰	۱۰۴	۱۲
۲۰۱۲	حمایت از حقوق مالکیت فکری	۳,۸۰۰	۱۰۰	۱۲
۲۰۱۲	حمایت از حق اختراع	۳,۸۰۰	۱۰۰	۹
۲۰۱۲	حمایت از حق نشر و تکثیر	-	-	-
۲۰۱۳	نماگر کلی	۳,۹۰۰	۱۰۵	۱۱
۲۰۱۳	حمایت از حقوق مالکیت فکری	۴,۱۰۰	۹۹	۱۱
۲۰۱۳	حمایت از حق اختراع	۴,۱۰۰	۱۰۰	۷
۲۰۱۳	حمایت از حق نشر و تکثیر	-	-	-
۲۰۱۵	نماگر کلی	۳,۷۷۲	۱۱۰	۱۲
۲۰۱۵	حمایت از حقوق مالکیت فکری	۲,۸۱۱	۱۱۱	۱۳
۲۰۱۵	حمایت از حق اختراع	۴,۷۳۳	۹۴	۸
۲۰۱۵	حمایت از حق نشر و تکثیر	-	-	-
۲۰۱۶	نماگر کلی	۳,۹۹۱	۱۰۰	۱۲
۲۰۱۶	حمایت از حقوق مالکیت فکری	۳,۲۴۹	۱۱۸	۱۴
۲۰۱۶	حمایت از حق اختراع	۴,۷۳۳	۹۷	۸
۲۰۱۶	حمایت از حق نشر و تکثیر	-	-	-
۲۰۱۷	نماگر کلی	۴,۱۸۶	۱۰۳	۱۲
۲۰۱۷	حمایت از حقوق مالکیت فکری	۳,۶۳۸	۱۱۶	۱۴
۲۰۱۷	حمایت از حق اختراع	۴,۷۳۳	۹۷	۸
۲۰۱۷	حمایت از حق نشر و تکثیر	-	-	-
۲۰۱۸	نماگر کلی	۴,۶۱۰	۸۳	۱۱
۲۰۱۸	حمایت از حقوق مالکیت فکری	۴,۰۸۸	۹۸	۱۲
۲۰۱۸	حمایت از حق اختراع	۵,۱۳۳	۹۱	۷
۲۰۱۸	حمایت از حق نشر و تکثیر	-	-	-

مأخذ: همان.

\* بر مبنای اعلام شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت، داده‌ای در سال ۲۰۱۴ برای ایران ثبت نشده است.



شکل ۱۰. روند تغییر امتیاز عددی نماگر حقوق مالکیت فکری در ایران (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸)



مأخذ: همان.

\* بر مبنای اعلام شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت، داده‌ای در سال ۲۰۱۴ برای ایران ثبت نشده است.

جدول ۹. مقایسه رتبه ایران با رتبه و امتیاز کشورهای بریکس، کشورهای همسایه و ده کشور دارای رتبه برتر در نماگرهای شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت ۲۰۱۸

ردیف	کشور	رتبه جهانی (از ۱۲۵ کشور)	امتیاز نماگر حقوق مالکیت	نماگر حقوقی و سیاسی	نماگر حقوق مالکیت فیزیکی	نماگر حقوق مالکیت فکری
	میانگین جهانی	-	۵,۷۴۱	۵,۲۱۶	۶,۴۶۴	۵,۵۴۲
۱	ایران	۹۱	۴,۷۴۸	۳,۸۴۸	۵,۷۸۷	۴,۶۱۰
<b>کشورهای بریکس</b>						
۲	روسیه	۸۴	۴,۸۹۰	۳,۶۱۶	۵,۸۳۸	۵,۲۱۶
۳	هند	۵۹	۵,۶۳۹	۴,۵۸۲	۶,۵۳۲	۵,۸۰۲
۴	چین	۵۲	۵,۹۰۴	۴,۷۹۱	۷,۰۳۵	۵,۸۸۸
۵	برزیل	۵۵	۵,۷۴۶	۴,۶۳۹	۶,۲۳۰	۶,۳۶۸
۶	آفریقای جنوبی	۳۷	۶,۳۴۸	۵,۴۴۷	۶,۶۶۱	۶,۹۳۷
<b>کشورهای همسایه</b>						
۷	امارات	۲۱	۷,۵۷۲	۷,۱۰۰	۸,۳۶۹	۷,۲۴۷
	عمان	۳۸	۶,۳۳۱	۶,۱۲۴	۷,۶۷۷	۵,۱۹۴
	عربستان	۴۴	۶,۱۸۷	۵,۶۸۰	۷,۲۰۱	۵,۶۷۹
	کویت	۶۲	۵,۴۹۰	۵,۱۷۱	۶,۸۲۲	۴,۴۷۹
	ترکیه	۶۶	۵,۲۸۲	۳,۵۵۶	۶,۸۲۷	۵,۴۶۲
	آذربایجان	۷۸	۵,۰۳۷	۴,۱۰۹	۷,۰۵۵	۳,۹۴۸
	پاکستان	۱۲۱	۳,۶۳۷	۲,۹۰۶	۴,۵۳۵	۳,۴۷۰

ردیف	کشور	رتبه جهانی (از ۱۲۵ کشور)	امتیاز نماگر حقوق مالکیت	نماگر حقوقی و سیاسی	نماگر حقوق مالکیت فیزیکی	نماگر حقوق مالکیت فکری
<b>ده رتبه اول جهانی</b>						
۱	فنلاند	۱	۸,۶۹۲	۸,۸۴۸	۸,۳۹۹	۸,۸۲۹
۲	نیوزلند	۲	۸,۶۳۲	۹,۰۱۲	۸,۸۷۴	۸,۰۰۹
۳	سوئیس	۳	۸,۶۱۸	۸,۷۳۴	۸,۴۲۶	۸,۶۹۴
۴	نروژ	۴	۸,۴۵۰	۸,۷۹۷	۸,۴۸۳	۸,۰۷۰
۵	سنگاپور	۵	۸,۴۰۴	۸,۴۴۰	۸,۷۲۲	۸,۰۵۱
۶	سوئد	۶	۸,۳۹۶	۸,۵۴۸	۸,۲۹۴	۸,۳۴۷
۷	استرالیا	۷	۸,۳۲۹	۸,۲۲۷	۸,۱۷۱	۸,۵۸۹
۸	هلند	۸	۸,۳۲۵	۸,۴۳۱	۸,۰۱۲	۸,۵۳۱
۹	لوکزامبورگ	۹	۸,۲۹۷	۸,۵۳۹	۸,۱۹۵	۸,۱۵۸
۱۰	کانادا	۱۰	۸,۲۹۴	۸,۴۷۷	۸,۲۵۶	۸,۱۵۰

مأخذ: همان.

جدول ۱۰. بیشترین تغییر سالیانه شاخص بین‌المللی مالکیت پنج کشور حوزه منا

کویت	مراکش	اسرائیل	ایران	مصر	رتبه تغییر	میزان تغییر
۵	۴	۳	۲	۱	۲۰۱۸	
۰/۱۱	۰/۱۴۴	۰/۱۵۶	۰/۲۲۷	۰/۶۲۹		
۷	۸	۱	۵	۱۱	۲۰۱۷	
۰/۲۱۹	۰/۲۱۴	۰/۵۶۴	۰/۲۸۱	۰/۰۹۱		

مأخذ: همان.

جدول ۱۱. کمترین تغییر سالیانه شاخص بین‌المللی مالکیت پنج کشور حوزه منا

تونس	لبنان	الجزائر	اردن	قطر	عنوان	سال
۵	۴	۳	۲	۱	رتبه تغییر	۲۰۱۸
۰/۱۶	۰/۰۱۱	-۰/۲	-۰/۰۷۴	-۰/۱۷	میزان تغییر	
۱۰	۱۴	۴	۱۳	۱	رتبه تغییر	۲۰۱۷
۰/۲۳۵	۰/۵	۰/۰۵۱	۰/۴۰۶	-۰/۰۳۳	میزان تغییر	

مأخذ: همان.



## ۵. وضعیت کنونی حقوق مالکیت در ایران و پیشنهادهایی برای بهبود آن

تشکیل نهادهای برقرارکننده و محافظت‌کننده از حقوق مالکیت، کلید بهره‌مندی از ظرفیت‌های بالقوه در بخش رسمی اقتصاد است. البته اهمیت این نهادها در کشورهای در حال توسعه به مراتب بیش‌تر است؛ زیرا بخش غیررسمی در این کشورها حجم بیش‌تری دارد و لذا پتانسیل رشد بالقوه در آنها بیش‌تر است. اگرچه آمار ارتقای رتبه ایران در شاخص‌های حقوق بین‌المللی مالکیت گواهی می‌دهد حکومت نسبت به مسئله حقوق مالکیت در یک سال اخیر بی‌توجه نبوده و حتی در بخش‌هایی همچون ثبت مالکیت جایگاه مطلوب ۳۰ را در جهان از میان ۱۲۵ کشور کسب کرده، اما همچنان نماگرهای حقوق مالکیت گویای این موضوع است که با وجود بهبود وضعیت اما شرایط مطلوب و مناسب نیست.

البته مشکلات حتی ابتدایی زیادی درباره رژیم کنونی حقوق مالکیت ما وجود دارد. برای مثال هنوز کاداستر<sup>۱</sup> برای کشور تهیه نشده است. میلیون‌ها ایرانی روی زمین‌هایی کار و زندگی می‌کنند که فاقد اسناد روشن قانونی هستند (اسنادی که یا کاملاً تعریف شده و روشن نیستند یا از سوی نهادهای حکومتی در مواردی به رسمیت شناخته نمی‌شوند). بخش زیادی از جامعه ایران که شامل گروه‌های محروم و در حاشیه‌مانده به دور از نفوذ اجتماعی هستند، هنوز در فهم مشترک و روشنی نسبت به مقوله حقوق مالکیت عاجز هستند و البته قوانین مصوب نیز در این راستا حمایت لازم را از آنها به‌عمل نمی‌آورد. علاوه بر این، انبوه موانع دست‌وپاگیر قانونی و اداری و تبعیض‌ها هم اجازه نمی‌دهد همه مردم بتوانند از اموال خود آن‌گونه که به نفع خویش تشخیص می‌دهند، استفاده کنند. تضعیف حقوق مالکیت خصوصی باعث می‌شود برخی از افراد بر مبنای ویژگی‌های شخصی فرصتی پیدا کنند تا بر فرد دیگری تبعیض روا دارند. در صورتی که حق مالکیت در راستای بنیادی‌ترین اهدافش جلوی رقابت مخرب برای کنترل منابع اقتصادی را می‌گیرد. همان‌گونه که حقوق مالکیت نامطمئن و متزلزل بیش از هر چیزی به گروه‌های محروم و در حاشیه‌مانده آسیب می‌رساند، به همان اندازه مالکیتی که به‌درستی تعریف شده باشد و به‌خوبی تحت حمایت قرار گیرد، می‌تواند رقابت مسالمت‌آمیز و مولد را جایگزین رقابت خشونت‌آمیز و مخرب کند. به همین دلیل استمرار حقوق مالکیت به‌جای آموزش خودخواهی، در عمل حس به اشتراک گذاشتن را افزایش می‌دهد.

در نماگرهای شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت، استقلال قضایی در مقام معیار اندازه‌گیری محیط حقوقی و سیاسی انتخاب شده است. در واقع استقلال دستگاه قضایی امروزه از اصول پذیرفته شده در نظام‌های سیاسی کشورهای توسعه‌یافته دنیاست؛ به‌گونه‌ای که نقض آن از سوی قوای دیگر در هر کشور و نیز دولت‌های سایر کشورها امری ناپسند و درخور نکوهش است. نظام قضایی که حامی حقوق مالکیت

۱. "Cadastre"؛ «دندگار»، فهرست نقشه‌برداری ثبتی است، یعنی نقشه‌برداری که ارزش حقوقی داشته باشد و بتوان براساس مرزهای آن سند مالکیت صادر کرد. در تبصره «۳» ماده (۱۵۶) قانون ثبت اسناد و املاک نقشه کاداستر به این صورت تعریف شده است: «به مجموعه عملیات فنی، مهندسی، ممیزی، ثبتی و حقوقی در مورد املاکی اطلاق می‌شود که جریان ثبتی آن خاتمه یافته اعم از اینکه در دفتر املاک ثبت شده یا نشده باشد به جهت آنکه محدوده و موقعیت املاک را مشخص نماید و ارتباط جغرافیایی آنها را با یکدیگر نشان دهد و به منظور تثبیت مالکیت و تسهیل در حل و فصل دعاوی ملکی و ثبت املاک و سایر موارد مربوط به املاک اجرا شود».

است و قراردادهای را به شیوه بی‌طرفانه و منصفانه تنفیذ می‌کند، پایه و بنیان اصلی تشکیل سرمایه و کسب منافع از تجارت را فراهم می‌کند، که محرک‌های اصلی رشد اقتصادی و در نهایت خلق ثروت محسوب می‌شوند. برعکس، حقوق مالکیت نامطمئن، امضای توافق‌هایی که اجرای آنها قطعی نیست و تبعیض‌های حقوقی که نسبت به برخی روا داشته می‌شود، باعث تضعیف سرمایه‌گذاری و کاهش منافع حاصل از تجارت می‌شود. همچنین طولانی‌شدن فرایند دادرسی و جبران زیان فرد خسارت‌دیده از سوی سوءاستفاده‌کننده و خلف وعده‌کننده نیز ارزش واقعی طلب‌شاک را به شدت پایین می‌آورد.

دومین مؤلفه و شناسنده در نماگر محیط حقوقی و سیاسی مسئله حاکمیت قانون است. در واقع آنچه تفاوت در سطوح شکوفایی بین ملت‌ها را توضیح می‌دهد، چارچوب نهادی است که یک کشور برمی‌گزیند و بنیادی‌ترین این نهادها حاکمیت قانون است. نهادها را قوانین و قواعد رسمی و غیررسمی تعریف کردیم که بر تعاملات ما حاکم است. نهادها قواعد بازی را تعیین می‌کنند. اگر قواعد به خوبی تعریف شده باشند- مشخص و شفاف و در خدمت کسب‌وکار باشند- رفاه و آبادانی برای مردم به همراه می‌آورند. اگر قواعد بازی مبهم و نامطمئن باشند و از اموال مردم حمایت نکنند، جلوی شکوفایی و رونق اقتصادی گرفته می‌شود.

حکومت‌ها سوای مصادره و تصاحب مستقیم اموال و دارایی‌های بخش خصوصی، به شیوه‌های غیرمستقیم و به اصطلاح «مصادره خزنده» (یا تدریجی) نیز اموال شهروندان را تصاحب می‌کنند. در این نوع مصادره، دولت‌ها با افزایش ناگهانی نرخ مالیات یا نرخ تورم، تغییر ناگهانی قوانین و مقررات، باعث می‌شوند منافع و سود سرمایه‌گذاری‌ها و دارایی‌های بخش خصوصی کاهش یابد. ایجاد تورم‌های دورقمی پرنوسان در کشور که هر از گاهی شاهد هستیم، به زیان طلبکاران و به نفع بدهکاران تمام می‌شود و معمولاً بزرگ‌ترین بدهکار نیز همیشه دولت‌ها هستند که به این شیوه، ارزش واقعی بدهی خود را به شدت کاهش می‌دهند. در واقع ساده‌ترین حالت ممکن قیمتگذاری اداری و دستوری است که موجب تخصیص غیربهبینه منابع می‌شود. همان‌طور که میلتون فریدمن در سخنرانی سال ۱۹۶۶ در دانشگاه شیکاگو نیز مطرح کرد: «اگر موفق شدید برخی از قیمت‌ها و دستمزدها را پایین آورید، تنها فشار تورمی را به سمت دیگری رانده‌اید و آن فشار را در آنجا پرنیوتر کرده‌اید»<sup>۱</sup>. دولت‌ها با سیاستگذاری‌های غیرکارشناسی و غیرتخصصی اقتصادی همچون قیمتگذاری‌های دستوری برای دفع بیماری‌هایی همچون تورم مزمن که خود مسبب آن بودند، علاوه بر اینکه به طور غیرمستقیم روی کیفیت قوانین و مقررات تأثیر می‌گذارند، به طور ناخودآگاه در ابهام‌آفرینی فضای کسب‌وکار نقش جدی دارند. دولت‌ها البته زمانی که در این مسیر گل‌آلود گام بر می‌دارند، خود را در مظان اتهام تمرد از قانون نیز قرار می‌دهند.

۱. چگونه می‌توان تورم را دائمی کرد؟ (سخنرانی منتشرنشده میلتون فریدمن)؛ قابل مشاهده در آدرس اینترنتی زیر:  
<https://bit.ly/2xhVKm6>



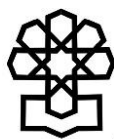
ساختار اقتصادی و سیاسی یک کشور، رابطه‌ای نزدیک و در عین حال پیچیده با یکدیگر دارند؛ به طوری که ساختار سیاسی به عنوان نظام هدایتگر مدیریت اقتصادی کشور عمل کرده و منعکس‌کننده تفکرات اقتصادی آن نظام سیاسی است. از این حیث، هر گونه اختلال در نهاد مدیریتی کشور (دولت) با عنوان بی‌ثباتی سیاسی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه به بی‌ثباتی اقتصادی منجر شده و حرکت طبیعی اقتصاد را دچار اختلال می‌کند که در نتیجه رشد اقتصادی کشور را که به عنوان مهم‌ترین شاخص عملکرد اقتصادی شناخته می‌شود، کندتر می‌کند.

برای رونق و شکوفایی اقتصادی ایران برخلاف آنچه ممکن است در نگاه نخست به نظر برسد، لازم نیست به صورت مستمر برنامه از پی برنامه و قانون به دنبال قانون نوشته و به تصویب برسد؛ بلکه مهم‌ترین قدم‌ها، پرهیز از اقدامات و دخالت‌های ناکارا و مخل است. دست برداشتن از تکرار خطاها و اشتباهات فاحش و روشن است. به درک و فهم واقعی رسیدن در این خصوص که به کدام سیاست‌های ناکارا و مانع رشد اقتصادی باید خاتمه داده شود و کدام قوانین و مقررات دست‌وپاگیر ملغی و برجیده شود. برای رفع مشکلات و گریز از بحران‌های اقتصادی، پایبندی به نهادهای اقتصادی از جمله حقوق مالکیت و حق دادوستد آزادانه ضروری و مبرم است. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، اگر این پیش‌نیازها تأمین نشود یا با سازوکارهای سیاسی جایگزین شود، مشکلات حل نخواهد شد.

## منابع و مأخذ

۱. دسوتو، هراندو. راه دیگر، ترجمه جعفر خیرخواهان (۱۳۸۹)، نشر نی، ۱۹۸۹.
۲. دسوتو، هراندو. راز سرمایه: چرا سرمایه‌داری در غرب موفق می‌شود و در جاهای دیگر شکست می‌خورد؟، ترجمه فریدون تفضلی، نشر نی، ۲۰۰۰.
۳. عجم اوغلو، دارن و جیمز، رابینسون. «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟»، ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی‌پور (۱۳۹۴)، انتشارات روزنه، ۲۰۱۲.
۴. فوکویاما، فرانسیس. «نظم و زوال سیاسی»، ترجمه رحمن قهرمانپور (۱۳۹۷)، انتشارات روزنه ۲۰۱۵.
۵. کوز، رونالد (۱۹۳۷) «ماهیت بنگاه»، ترجمه محمود مشهدی‌احمد، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، دوره ۱۳، شماره ۱ - بهار و تابستان، ۱۳۸۶، ۱۹۳۷.
۶. نورث، داگلاس و همکاران. «خشونت و نظم‌های اجتماعی: چارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ ثبت شده بشر»، ترجمه جعفر خیرخواهان و رضا مجیدزاده (۱۳۹۶)، انتشارات روزنه ۲۰۰۹.
۷. نورث، داگلاس. «فهم فرایند تحول اقتصادی» ترجمه میرسعید مهاجرانی و زهرا فرضی‌زاده، نشر نهادگرا، ۲۰۰۵.
۸. نورث، داگلاس. نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، معینی، محمدرضا (۱۳۷۷)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، فصل هفتم درباره ضمانت اجرای قراردادها، ۱۹۹۰.
9. Acemoglu, Daron, Simon Johnson, and James A. Robinson, "The Colonial Origins of Comparative Development: An Empirical Investigation," *American Economic Review* 91, no. 5 (December 2001).
10. Alchian, Armen A "Property Rights," in *The Concise Encyclopedia of Economics*, ed. David Henderson (Indianapolis: Liberty Fund, 2008).
11. Alchian, Armen A. (1965), "Some Economics of Property Rights." *Il Politico*, 30(4).

12. Bradford, J. De Long and Andrei Shleifer, "Princes and Merchants: European City Growth before the Industrial Revolution," *Journal of Law and Economics* 36, no. 2 (October 1993):
13. Castanheira, M. and Esfahani, H.S., 'The Political Economy of Growth: Lessons learned and Challenges Ahead', in McMahon, G. and Squire, L. eds., *Explaining Growth: a Global Research Project*, IEA Conference Volume 137 (Palgrave Macmillan, Houndsmill, Basingstoke: 2003).
14. Coase, R.H. (1992), 'The Institutional Structure of Production', *The American Economic Review*, 82 (4), 713-19. Lecture delivered in Stockholm, Sweden accepting the Alfred Nobel Memorial Prize in Economic Sciences, December 9, 1991.
15. Coase, Ronald H. (1960), 'The problem of social cost', *Journal of Law and Economics*, 3.
16. Collier Paul (2007) "Bottom Billion: Why the Poorest Countries are Failing and What Can Be Done About It is a by," Oxford University Press.
17. Ferguson Niall (2014) *Great Degeneration: How Institutions Decay and Economies Die*, Penguin Books.
18. Fukuyama, Francis, (2014) "Political Order and Political Decay: From the Industrial Revolution to the Globalization of Democracy," Farrar, Straus, and Giroux.
19. Greif, A., "Institutions and the Path to the Modern Economy: Lessons from Medieval Trade" (Cambridge University Press, Cambridge: 2006).
20. Greif, Avner "Commitment, Coercion and Markets: The Nature and Dynamics of Institutions Supporting Exchange," in C. Ménard and M. Shirley (eds.), *Handbook of New Institutional Economics* (Dordrecht, 2005).
21. Hall, Robert E. and Charles I. Jones, "Why Do Some Countries Produce So Much More Output per Worker Than Others?" *Quarterly Journal of Economics* 114, no. 1 (February 1999).
22. Hardin, Garrett, "The Tragedy of the Commons," *Science* 162, no. 3859 (December 1968).
23. Kirk Hamilton et al., *Where Is the Wealth of Nations? Measuring Capital for the 21st Century* (Washington, DC: World Bank, 2006).
24. Knack, Stephen and Philip Keefer, "Institutions and Economic Performance: Cross-Country Tests Using Alternative Institutional Measures," *Economics & Politics* 7, no. 3 (November 1995).
25. Levy Carciente, Sary (2018) *International Property Rights Index 2018 Report*, Property Rights Alliance.
26. North Douglass C., Prize Lecture, Lecture to the Memory of Alfred Nobel, "Economic Performance Through Time," December 9, 1993. <https://www.nobelprize.org/prizes/economic-sciences/1993/north/lecture/>
27. North, Douglass C. and Barry R. Weingast, "Constitutions and Commitment: The Evolution of Institutions Governing Public Choice in Seventeenth-Century England," *Journal of Economic History* 49, no. 4 (December 1989).
28. Rodrik, Dani, Arvind Subramanian, and Francesco Trebbi, "Institutions Rule: The Primacy of Institutions over Geography and Integration in Economic Development," *Journal of Economic Growth* 9, no. 2 (June 2004).
29. Rodrik, Dani, ed., *In Search of Prosperity: Analytic Narratives on Economic Growth* (Princeton University Press, Princeton, NJ and Oxford: 2003).
30. Smith, Adam, *An Inquiry Into The Nature and Causes of the Wealth of Nations* (1776; Hampshire: Harriman House, 2007).
31. Williamson, Claudia R. "Informal Institutions Rule: Institutional Arrangements and Economic Performance." *Public Choice* 139, no. 3-4 (June 2009)."



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۶۴۰۸

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ارزیابی جایگاه ایران در شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت در سال ۲۰۱۸  
(با تمرکز بر نهادها و هزینه مبادله)

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه مطالعات محیط کسب‌وکار)  
تهیه و تدوین‌کنندگان: جعفر خیرخواهان، سردار خالدی  
ناظر علمی: شاهین جوادی، سیدامیر سیاح  
اظهار نظر کننده: موسی شهبازی غیائی  
ویراستار تخصصی: احمد مرکزالمیری

واژه‌های کلیدی:

۱. حقوق مالکیت
۲. امنیت سرمایه‌گذاری
۳. محیط کسب‌وکار
۴. نهاد
۵. هزینه مبادله



تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۲/۸